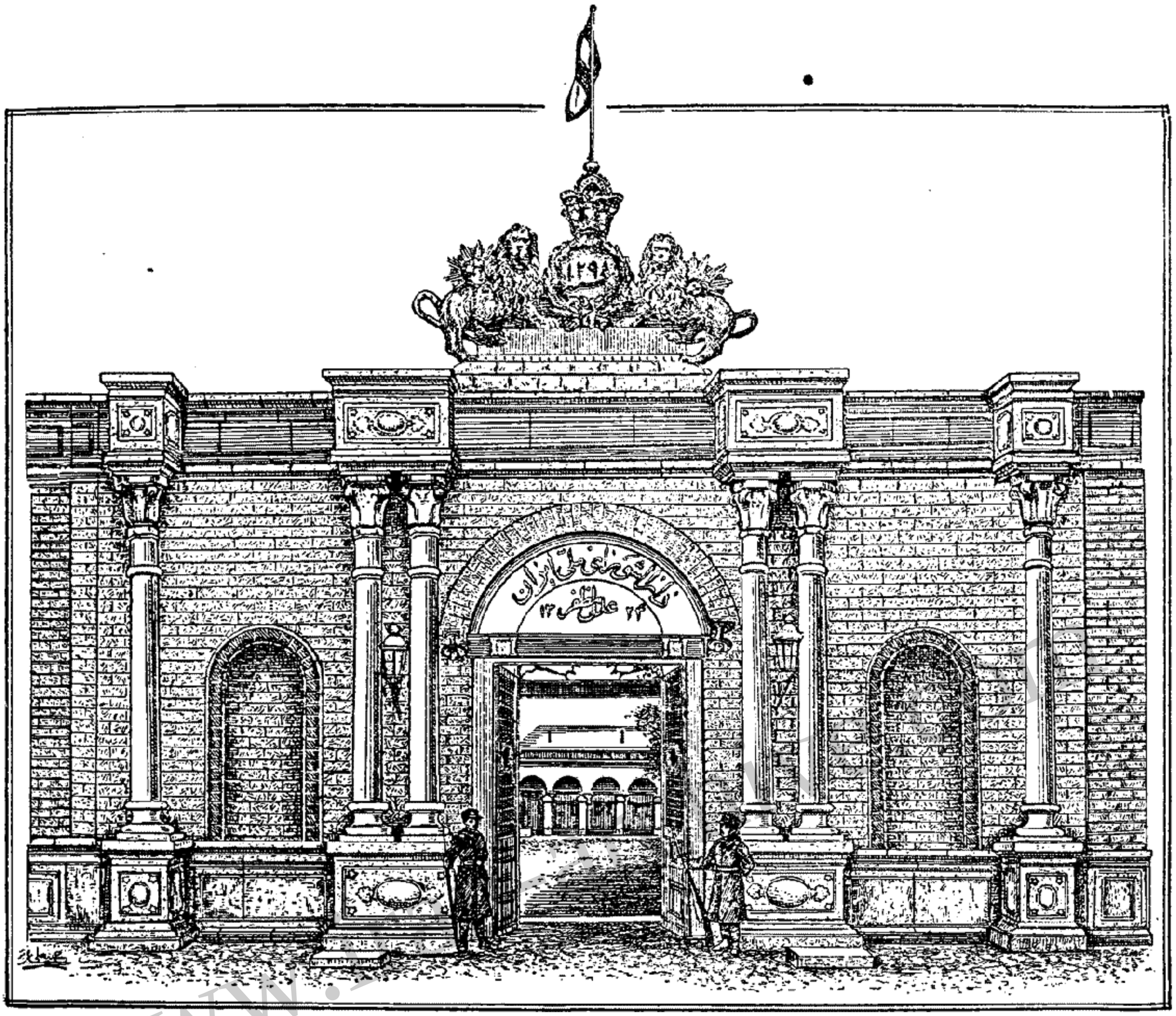

شمارهٔ بیست و نهم

مذاکرات مجلس

جلسه ۶۳

قیمة اشتراك

داخله ایران سالیانه ده تومان

خارجه » دوازده تومان

قیمة تك شماره یك قران

مندرجات

فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود.

پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یك شماره منتشر میشود.

مطبعهٔ مجلس

تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵

جلسه سه شنبه ۲۵ بهمنماه ۱۳۰۵

مطابق ۱۲ شعبان ۱۳۴۵

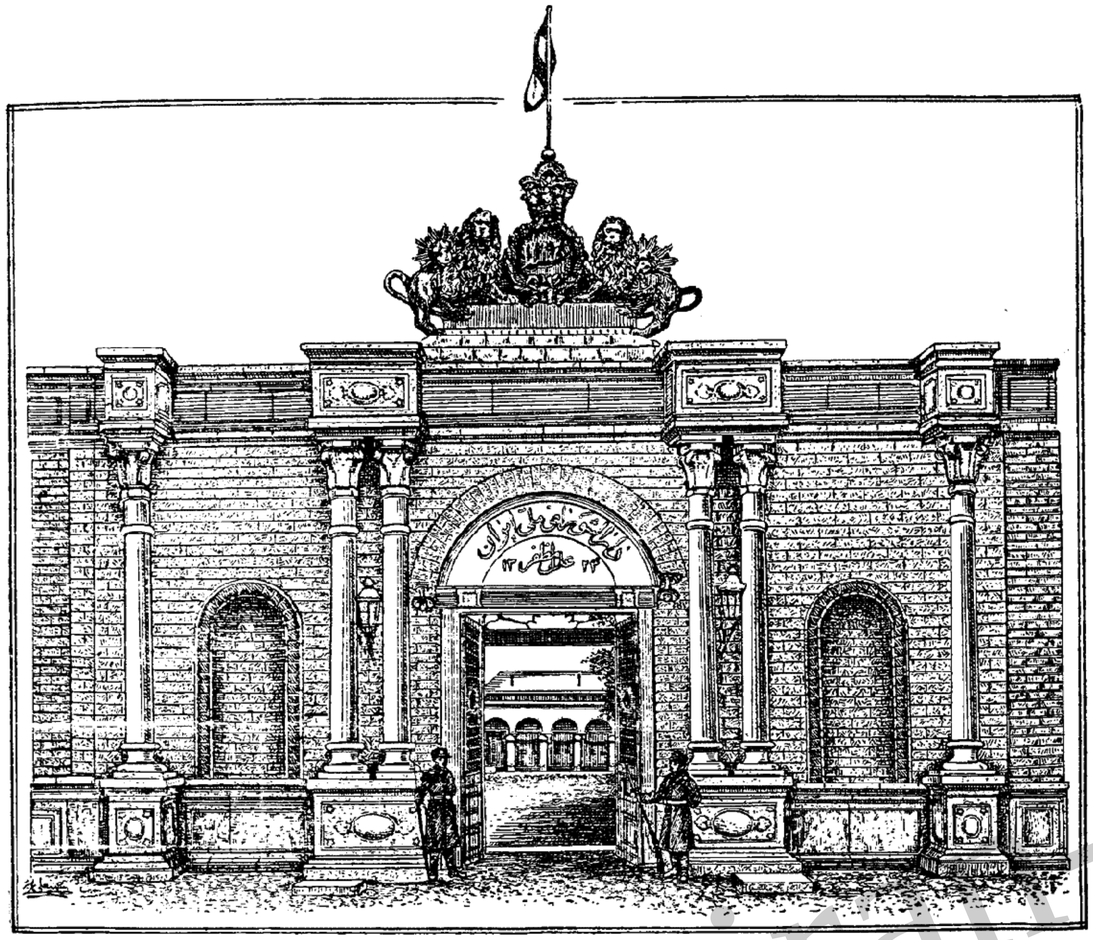

مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس مورخه سه شنبه ۲۵ بهمنماه ۱۳۰۵ مطابق ۱۲ شعبان ۱۳۴۵

جلسه ۶۳

(مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر بریاست آقای پیرنیا تشکیل گردید.)

(صورت مجلس روز یکشنبه بیست وسوم بهمن را آقای ضیاء قرائت نمودند.)

رئیس ـ صورت مجلس معارضی ندارد؟

(گفتند خیر)

رئیس ـ صورت مجلس تصویب شد.

فهرست مندرجات

نمره	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	بقیهٔ شور نسبت بخبر کمیسیون قوانین مالیه راجع به تاسیس بانك ملی [مواد (۱ ـ ۲) خبر جدید کمیسیون و مادهٔ ۵ خبر قدیم]	۴۷۵	۴۸۷
۲	رأی اعتماد به کابینهٔ آقای میرزا حسن خان مستوفی و مذاکرات در اطراف آن	۴۸۷	۴۹۷

www.iran-archive.com

رئیس ـ قبل از اینکه وارد دستور شویم باید بعرض مجلس برسانم که آقای میرزا عبدالله خان وثوق از عضویت کمیسیون نظام استعفا داده اند در جلسات بعد باید یکنفر بجای ایشان تعیین شود . دستور امروز هم لایحه راجع ببانک ملی است از ماده پنجم . چند فقره پیشنهاد در جلسات قبل رسیده بود تکلیفش باید معلوم شود . پیشنهادها قرائت میشود و در قابل توجه بودنش باید رای گرفته شود . پیشنهاد آقای دکتر طاهری مطرح شده بود مذاکرات هم بعمل آمد حالا باید رای گرفته شود . . . .

آقاسید یعقوب ـ قبل از دستور بنده عرض داشتم

رئیس ـ وارد دستور شدیم . پیشنهاد آقای طاهری قرائت میشود و رای میگیریم

(بمضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم بجای اشخاص معتبر نوشته شود اشخاصیکه نزد بانک اعتبار دارند .

رئیس ـ عقیده آقای مخبر چیست ؟

فهیمی (مخبر کمیسیون) ـ این پیشنهادشان گویا قبلاً خوانده شد وعبارت اصلاح شد باین ترتیب که «اشخاصی که اعتبارشان نزد بانک مسلم باشد » دیگر این پیشنهاد مورد نخواهد داشت

رئیس ـ (خطاب بمخبر) شما اینطور بیان کردید ولی آقای پیشنهاد کننده را تکلیفش را معلوم نکردید

بعضی از نمایندگان ـ پس میگیرند

رئیس ـ آقای دکتر طاهری ، مسترد میدارید ؟

دکتر طاهری ـ با این ترتیبی که قبول کردند که اعتبارشان نزد بانك مسلم باشد بنده پس میگیرم ـ

رئیس ـ پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب قرائت میشود .

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم از کلمه « مشروط » تا کلمه « نظامنامه » حذف شود و در عوض نوشته شود « قرض دادن مطابق نظامنامه تعیین خواهد شد »

آقا سید یعقوب ـ استدعا میکنم آقای رئیس نفرمایند « خارج از موضوع است » عرض بنده این بود که آقایان وزراء بیایند در پروگرام مذاکره کنیم . رأی مجلس اهمیت دارد و نباید ول کنند و بروند این هم مبارك است در اینجا یك عبارتی نوشته شده است آن روز هم آقای شیروانی یك بیانی کردند که حقیقة بنده را متوجه کردند . یك بانك اینجا تاسیس شد بعد آمد آن بانك اولی که بانك روس بود بانك ایران شد و بیك ترتیباتی روح بانك را از بین بردند . اینجا نوشته شده است « بعنوان ضامن معتبر » بنده نظرم این است که این عبارتها بر داشته شود و در قانون این عبارتها نباشد که پس فردا در عرض یکسال اگر خدای تعالی خواست ما موفق شدیم بتأسیس یك بانکی بعنوان ضامن معتبر نیایند اصل بانك را بکلی از بین ببرند . این بود که بنده عبارت ضامن معتبر را از بین بر داشتم که وزارتمالیه ملتفت نظریات مجلس شورای ملی باشد و نظامنامه را طوری بنویسد که سرمایه بانك از بین نرود و چون هر چه پیشنهاد شد قبول نشد بنده این طور پیشنهاد کردم برای اینکه دست وزارت مالیه باز نباشد و ملاحظه کنند و نظامنامه را طوری بنویسند که سرمایه بانك محفوظ باشد و از منافعش مملکت استفاده کند این بود که بنده این پیشنهاد را کردم .

رئیس ـ آقای شیروانی عضو کمیسیون هستند

شیروانی ـ خیر بنده در ماده اجازه خواسته بودم

رئیس ـ آقای خواجوی

میرزا صادقخان (خواجوی) ـ این پیشنهادی که آقای آقا سید یعقوب فرموده اند البته پیشنهاد صحیحی است ولی درین مورد نمیتوان مذاکره و بحث کرد بجهت اینکه طبیعی است راجع بمعاملات بانك تا درجهٔ اساسیات

آن را مجلس شورای ملی باید رای بدهد و مطالب جزئی در نظامنامه باید ذکر شود و اگر بخواهیم عبارت «شرایط قبول ودیعه یا رهن و دادن وجه در نظامنامه معین خواهد شد » حذف شود بانك بچه وسیله باید معاملات بکند ؟ اجازهٔ که مجلس شورای ملی ببانك میدهد بچه قسم است ؟ یك اجازهٔ عام سربسته باو میدهد که بهرکس که میل داشته باشد بهر نحو از انحاء که بخواهد قرض بدهد یعنی بدون رهن ، یعنی بدون ملك گرو گرفتن یا بدون ضمانتهای معتبره یابدون آکسیون‌های شرکت هرقسمی را که مقرر میکنند برای تأمین امور بانك ازین ماده حذف میشود . این چه حال پیدا خواهد کرد ؟ همان قسمی که بعضیها دقت کردند بواسطه این اسامی که ذکر شده است نباید سرمایه بانك حیف و میل شود وعقیده کمیسیون این است که بخوبی حفاظت دارائی و پول بانك بشود یعنی اگر کسی پولی بخواهد طبیعی است ملك گرو میدهد ، مال التجاره خودش را می سپارد ، یا آکسیون یك شرکتی را که دارد میدهد ، این ترتیب دارائی بانك را محفوظ میدارد . اما بنحوهٔ که آقا پیشنهاد فرموده‌اند دارائی بانك هیچ تضمینی در مقابلش نیست . چون بنظر بانك و یك نظامنامه ایست که بعد باید نوشته شود و یسیون این را نمیتواند قبول کند

رئیس ـ آقای مخبر چه میفرمایند ؟

مخبر ـ بسته است بنظر مجلس ، توضیحات را دادند .

رئیس ـ رای گرفته میشود بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب آقایانی که قبول میکنند قیام فرمایند .

(معدودی بر خاستند)

رئیس ـ تصویب نشد ، پیشنهاد آقای امین قرائت میشود

(بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده (۵) باین قسم نوشته شود : بانك مجاز است ودایع نقدی مدت دار و جاری قبول کند و بستثناء مواردی که در ماده (۶) ممنوع گشته پول قرض بدهد مشروط براینکه قروض مزبور بوسیله اموال منقول یا غیر منقولی که به ثبت اسناد رسیده باشد یا بامضاء دوتفر اشخاص معتبری که اعتبار آنها در بانك مسلم باشد تضمین گردد ، شرایط قبول ودایع و دادن وجه در نظامنامه معین خواهد شد

رئیس ـ آقای امین

حاجی میرزا حبیب الله (امین) ـ مقصود بنده از این پیشنهاد راجع باعتبار شخص گیرنده وجه در بانك است چون درجلسات قبل درآنموقع هم درین جا صحبت شد که خود بانك البته یك اعتباراتی برای اشخاص همیشه در نظر میگیرد و محتاج باین نیست که در هر موقع که بخواهند قرض بدهند سؤالات و تفتیشاتی بکنند در دفاتر بانك اعتبارات اشخاص محفوظ است باین جهة بیشتر نظر بنده از این پیشنهاد این است که اشخاصی که نزد بانك اعتبار دارند امضاء همانها معتبر باشد .

رئیس ـ آقای خواجوی

خواجوی ـ این پیشنهاد تصور میکنم خیلی خوب پیشنهادی است و لیکن آقای وزیر مالیه اینجا تشریف دارند باید به بینیم که بودجه ثبت اسناد را که قریب بیست هزار تومان است قبول میکنند که ثبت اسناد در مملکت اجباری باشد یا خیر ؟ و الا بانك تاسیس شود و ثبت اسناد نباشد معاملات بانك چه حالی خواهد داشت ؟ درصورتیکه وزارت مالیه که الان وزیرش در مجلس تشریف دارند قبول بفرمایند که بودجه ثبت اسناد را بیاورند بمجلس و ثبت اسناد در مملکت دائر شود این پیشنهاد بسیار خوبست و الا چطور ممکن است که قانون بگذرد وبانك تاسیس شود ومعاملات نتواند بکند ؟ چون املاك به ثبت نرسیده است . طبیعی است باید بودجه ثبت اسناد را مجلس تصویب کند و بعد آنرا درجزء قانون بگنجاند والا این پیشنهاد بسیار خوبیست .

www.iran-archive.com

رئیس ـ آقای مخبر

مخبر ـ بنده استدعا میکنم مادهٔ پنجم را با این پیشنهادات ارجاع فرمائید بکمیسیون . چون این قبیل مسائل زیاد است و باید اصلاح شود و استدعا میکنم سه ماده اولیه را که بکمیسیون فرستاده شده وازطرف کمیسیون راپرت داده شده است مطرح فرمائید

رئیس ـ این پیشنهاد وماده برحسب تقاضای آقای مخبر ارجاع میشود بکمیسیون ، سایر پیشنهادهارا هم مجلس موافق هست ارجاع شود بکمیسیون ؟

بعضی از نمایندگان ـ بلی مانعی ندارد

رئیس ـ ارجاع میشود . مادهٔ اول قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده اول ـ دولت مکلف است برای پیشرفت امر تجارت وفلاحت وزراعت وصناعت بانکی موسوم ببانك ملی ایران تأسیس نماید که مرکزش درطهران شعب آن متدرجاً درایالات وولایات وممالك خارجه دائر خواهد شد .

رئیس ـ آقای فرمند

فرمند ـ مخالفت بنده با ایماده درخصوص لغت تجارت است که دراینجا ذکر شده مقدمهٔ عرض میکنم درمملکت ما لغت تجارت معنای حقیقی که دارد یك اندازهٔ ازش کاسته شده است درواقع دلالي جنبهٔ تجارت را در مملکت ما دارد . بدبختانه چون مصنوعات مملکت ما کم است این دلالی هم زیادتر متوجه امتعهٔ خارجی است این بانك ازروزاولیکه درافکارعامه گذاشته شد برای پیشرفت اقتصادیات مملکت مابود و این پیشرفت اقتصادیات که ما از اول مجلس تا بحال صحبتش را میکنیم از دو مجری ممکن است حاصل بشود یا از راه فلاحت ، یا از راه صنعت و تجارت در درجه سوم واقع خواهد شد بعقیدهٔ بنده پیشرفت اقتصادیات در این مملکت اول از راه فلاحت است زیرا مملکت ما فلاحتی است و استعداد آنرا هم داریم که فلاحت مملکتمان را ترقی بدهیم و در درجه دوم صنعت است یعني کارخانجات و غیره گرچه بنده معتقدم که باین زودي نمیتوانیم موفق شویم با مللی که متجاوز از یکقرن است در صنعت کار میکنند و تبحر پیدا کرده اند رقابت کنیم اما البته باید کوشش کنیم و یك قسمت از صنایعمان را ترقی بدهیم ولی بنده معتقدم اگر این لغت تجارت در اینجا باشد یا تمام این پولی که ما در این بانك تمرکز میدهیم (از فروش خالصجات و جواهرات و غیره) طوری خواهد شد که آن انتظاریرا که ما داریم بعمل نخواهد آمد یعنی آن منفعت اقتصادی را بمعناي حقیقی این لغت بمملکت ما نخواهد رسانید و بیك معامله جانی بر خواهد خورد و ما را دچار مشکلاتی خواهد کرد . بنده معتقدم که این لغت (تجارت) اگر از این جا زده شود عملیات این بانك بیشتر معناي حقیقی اقتصادی را پیدا خواهد کرد یعنی متوجه خواهد شد به پیشرفت فلاحت و صنعت و آن نقطهٔ نظر و آرزوئی که ما داریم بهتر بعمل میآید و اگر این لغت در اینجا باشد از آن سوء استفاده خواهد شد و آن انتظاریکه ماداریم ازپیشرفت اقتصادیات (باز عرض میکنم) ازمعنای حقیقی این لغت برای ما حاصل نخواهد شد از این نقطه نظراست که بنده با این لغت مخالفت میکنم وپیشنهاد میکنم واستدعا میکنم آقایانهم قبول بفرمایند که این لغت حذف شود

مخبر ـ آقای فرمند در ضمن مخالفتشان اصلا ریشهٔ بانك را خواستند از بین ببرند بجهة اینکه بانك مؤسسه ایست که اساسا تجارتی است و فلاحت و صناعت وقتي مورد فایده خواهد بود که بمعرض تجارت در آید والادر تمام مملکت وقتی شما فلاحت بکنید و تجارت نباشد چه فایده خواهد داشت . تجارت یك لفظ اعمی است که هم در نقد و هم در جنس استعمال میشود . بانکها مرکز تجارت و جوه نقدیه هستند و تا بانك نباشد از برای تبادل وجوه نقد تجارت جنسی معنی پیدا نخواهد کرد پس عمل عمده بانك و وظیفه مهم او همین مسئله تجارت است . درماده

دیگر که مینویسد قرض بدهند یا قرض بکنند برای چیست ؟ برای این است که سرمایهٔ خود را بانك بمعرض تجارت بگذارد و ازپول فایده ببرد . بانك مؤسسه ایست که وجوه دولت و وجوه افراد باید در آنجا تمرکز پیدا کند و در آنجا بکار بیفتد پس بانك مرکز تجارت است .

شیروانی ـ و صرافی

مخبر ـ صرافی هم مشمول همین جمله است یعني یك شعبه از تجارت است . برای فلاحت هم اگر بخواهند کمك کنند باید البته بانك بعنوان تجارت باز پول بدهد بشخاص تا امور فلاحت تکمیل شود و باید بوسیله عمل تجارت یعنی پول قرض دادن و منفعت دادن و منفعت گرفتن فلاحت را تکمیل کنند . بنا بر این خواهشمندم آقای فرمند هم مخالفت خودشان را با این ماده مستردارند

جمعی از نمایندگان ـ مذاکرات کافی است

آقا سید یعقوب ـ بنده مخالفم با کفایت مذاکرات

رئیس ـ بفرمائید

آقا سید یعقوب ـ برای اینکه توجه آقایان را بدهم باین عبارت عرض میکنم در اینجا نوشته شده است (که شعب او در داخله و خارجه) بنده چون مخالف هستم با شعب خارجه تقاضامیکنم مجلس اجازه بدهد اینرا عرض کنم : ماهمیشه بقدري کاررا ازدرك میگیریم که ازعهده اش برنمیائیم فعلاً کار را در داخله بکنید بعد اگر خدا وسعت وقوت داد درخارجه هم تاسیس مینمائیم . خواستم دراین باب مفصل عرض کنم که مجلس را متوجه کنم بضرری که دارد . این بود مخالفت من . اگر مجلس بکفایت مذاکرات رای نداد بنده مفصلاً بیاناتی دارم عرض میکنم .

مخبر ـ عرض میشود که در شور اول هم اگر نظر آقایان باشد در خبر کمیسیون (شعب خارجه) نبود ، پیشنهادی شدوقابل توجه شد و کمیسیون هم بااینکه این لفظ باشد مخالفتی نکرد ولی این لفظ هم الزامي نمیکند که ما اگر این کلمه را نوشتیم فوراً مجبور شویم مبلغ کلی سرمایه بگذاریم که شعبه اش هم درخارج باشد . دست دولت باز خواهد بود و اگر لازم شد در خارج شعبي باز و تجدید کند اینکار را میکنند و اگر لازم نبود با بانکهای دیگر یك قرارداد هائی میگذارد ودر هرصورت ضرري نخواهد داشت و خوبست آقای آقاسیدیعقوب هم مخالفت خودشان را پس بگیرند .

رئیس ـ رأی گرفته میشود بکفایت مذاکرات .

آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام بفرمایند

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس ـ اکثریت است . پیشنهادآقای فرمند

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم از مادهٔ اول لغت تجارت حذف شود . فرمند

رئیس ـ توضیحی دارید ؟

فرمند ـ بلی

رئیس ـ بفرمائید

فرمند ـ عرایضی که بنده کردم آقای مخبر درست توجه نفرمودند این است که عرایضم را مختصراً دوباره بعرضشان میرسانم . یك بانکی که ده پانزده ملیون زیادتر سرمایه نخواهد داشت و ما مقصودمان زیاد تر از تأسیس این بانك این است که از این بانك یك ترقیاتی در فلاحت و صنعت مملکت فراهم شود از این نقطهٔ نظر ما توجهمان بدواً باید باین دو اصل باشد . بعد بمسئلهٔ تجارت و جریان راجع بمعاملهٔ ایران و ممالك دیگر . و چون بنده معتقدم که ما بآن دو قسمت اولی اهمیت باید بدهیم و این قوه را قسمت میکنیم بسه عمل این است که بنده این تقاضا را کردم و این عرایض را کردم و الا البته بنده میدانم بعد از آنکه محصولات مصنوعاتی فراهم شد اینها باید بموقع تجارت گذاشته شود . البته بنده این را میفهمم اما نقطهٔ نظر بنده این بود که عملیاتی که

www.iran-archive.com

از این بانك ناشی خواهد شد قسمت اول تمام باید مربوط به تولید محصول و صنعت باشد مقصود بنده این بود .

رئیس ــ آقای مخبر

مخبر ــ گمان میکنم بهتر این باشد که زود تر رأی گرفته شود که وقت مجلس تلف نشود

رئیس ــ رای گرفته میشود بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای فرهند . آقایانیکه قابل توجه می دانند قیام فرمایند .

(عدهٔ قلیلی قیام نمودند)

رئیس ــ قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

(بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم (خارجه) حذف گردد .

رئیس ــ آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب ــ چون ماده درست در نظرم نبود یعنی لایحه اش را نداشتم این بود که کلمهٔ شعبه را در پیشنهاد عرض نکردم . خواستم نمایندگان توجه بفرمایند بنده توجه میدهم نمایندگان محترم را بیك موضوعی که در بیست سال بیست و دو سال قبل از این در ایران پیش آمده است تجربیات سابق بما یك درسی میدهد . شرکت عمومی درایران تشکیل شد ولی از اول وقتی شروع کردند به بسط و توسعه چون ما قوه نداشتیم فوراً شعب او را در داخله وخارجه بسط دادیم و از عهده برنیامدیم . بنده معتقدم که نسبت بشرکت عمومی کسی خیانت نکرد لکن بواسطه بسط دادن و زیاده از اندازه در داخله و خارجه نمایندده روانه کردن یکدفعه یك مخارج زیادی پیدا کرد که شرکت عمومی بان روز افتاد و همین جور هرکار اساسی که عام المنفعه است ازاول ما این را بقدری وسعت میدهیم که بعد در او گیر میکنیم . بنده عرض میکنم این اول قدمی است که ملت ایران میخواهد بر دارد که برای سعادت وترقی خودش تاسیس بانك بکند مثلاً بنده عقیده ام این بود که اول در طهران درست اساس آن محکم بشود ، ارکان او محکم بشود ، بعد در خود داخله و در ایالات وولایات شعب پیدا کند یعنی دو سال سه سال این درختی که ما تازه غرس میکنیم این نهال تازه وقتی که قدری رك و ریشه پیدا کرد آنوقت در ایالات و ولایات شعبش تاسیس شود بعد از آن هم ده سال که ازعمر آن گذشت آنوقت درخارجه . اما حالا ما هنوز این بانك را درست نکرده بگوئیم آی بانك ایران درخارجه چندشعبه دارد . درکجا چندشعبه دارد از این جهت این مسئله را خواستم بعرض مجلس برسانم که کار را از اول قدم بقدم باید پیش برد اول اساسش را در داخله یعنی درمرکز درست کنیم بعد ازمرکز بولایات بعد از ولایات بخارجه باینجهة عرض کردم که این مسئله را از اول منبسط کردن گمان میکنم که از عهده برنیائیم و اصل منظور ما هم ازبین میرود این است که بعرض مجلس رساندم دیگر بسته است بنظر آقان .

رئیس ــ آقای افشار .

میرزا رضا خان (افشار) ــ اگرآقای آقا سید یعقوب ماده اول را بدقت ملاحظه میفرمودند مخصوصاً سطر آخر ماده را که مینویسد : (که مرکزش در طهران و شعب آن متدرجاً در ایالات و ولایات و ممالك خارجه دائر خواهد شد) این پیشنهاد را نمیکردند واین اعتراض را نمیفرمودند زیرا خودشان میدانند که اساساً تاسیس این بانك ملی مربوط است بفروش خالصجات و جواهرات دولتی و اضافه عایدات سنوات ۱۳۰۴ و ۱۳۰۵ و ۱۳۰۶) است وبعلاوه یك پیش بینی هائی در بودجه های سنهٔ ۱۳۰۷ تا مدت معینی برای تاسیس بانك و تهیه پانزده ملیون سرمایه (و البته با پانزده ملیون سرمایه دولت در تمام شهرهای خارجه شعب بانك را تاسیس نخواهدکرد) و این پیش بینی در اینجا فقط برای این ذکر شده است که در موقعی که بانك یك سرمایهٔ هنگفتی پیدا کرد بتواند شعبی هم در خارجه تاسیس بکند . و با بانکهائیکه در خارجه هستند مناسبات تجارتی

پیدا کند و بتواند برات بخرد و برات بفروشد یعنی از یك طرف بعهدهٔ بانکهای خارجه و از آنطرف بعهدهٔ بانك ایران خرید و فروش برات بشود و بانك ایران بواسطه باز کردن اعتبار با سایر بانکها ارتباط پیدا کند و مهم بشود پس در اینصورت دولت ملزم نیست که فوراً شعب آنرا در ممالك خارجه تاسیس کند

رئیس ــ آقای مخبر .

مخبر ــ بسته بنظر مجلس است ــ

رئیس ــ رأی میگیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب . آقایان موافقین قیام فرمایند .

(چند نفری بر خاستند)

رئیس ــ قابل توجه نشد . مادهٔ دوم قرائت میشود

(بشرح ذیل قرائت شد)

مادهٔ دوم ــ سرمایه اصلی بانك پانزده ملیون تومان خواهد بود و محل آن وجوه حاصله از فروش جواهرات دولتی و خالصجات است که لوایح هر یك علیحده تقدیم مجلس شورای ملی شده است

رئیس ــ آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب ــ گمان میکنم که بنده کسی نباشم که تاسیس بانك را منکر باشم زیرا بکور میگویند چه میخواهی ؟ میگوید دو چشم بینا . اما اینجا تعیین کرده است که سرمایه این بانك از چند چیز است : از فروش خالصجات و جواهرات و بنده مخالف هستم با فروش خالصجات . برای اینکه همینقدر که یك نغمهٔ بلند شد دیدیم بلا فاصله یك سیمهای خار داری دور خالصجات تنیده شد و یك نغمه هائی بلند شد . بنده که یکنفر عضو کمیسیون بودجه بودم حیقة خیلی از این مسئله متأثر شدم . زیرا دیدیم عوض اینکه ما یك چیزی گیرمان بیاید ضرر هم خواهیم کرد چنانچه آقایان هم مستحضرند وگمان میکنم باید قدری این مسئله را تاخیر انداخت و از بین برد چون بنده آنوقتی که این مسئله مطرح شد جدا مخالف بودم . و یکی هم راجع بجواهرات بنده در کمیسیون بودجه هم مخالف بودم و با آقای شیروانی هم دعوایم شد و نسبت باین هم مخالف بودم در اینجا سرمایه بانك را معین کرده است از فروش خالصجات و جواهرات . این فرع بر این است که بنده با فروش خالصجات و جواهرات موافق باشم . بنده درهردوقسمت مخالفم مگر اینکه دولت سرمایه بانك را از محل دیگری معین کند تا بنده موافقت کنم . مسئله فروش جواهرات و خالصجات اصلاعنوانش از بین رفته است باز دو مرتبه کمیسیون قوانین مالیه آمده و این را در این ماده ذکر کرده است از این جهت بنده جدا مخالفم .

مخبر ــ اینکه آقای آقا سید یعقوب فرمودند که ایشان مخالفند با فروش خالصجات و جواهرات ممکن است تا آخر لایحه هم ایشان مخالف باشند ولی قسمت اول که راجع بخالصجات است لایحه آن مطرح شده است ومجلس هم موافقت کرده است با فروش خالصجات منتها درمواد یك اختلاف نظری است که متدرجاً اصلاح خواهد شد . اما راجع ببانك . بانك یك سرمایه اصلی برایش معین شده است که از محل فروش خالصجات و جواهرات تامین میشود ولی نظر این نبود که تا وقتی وجه این دو محل بدست نیاید بانك تاسیس نشود . بانك یك مؤسسه ایست تجارتی که از معاملات خودش روز بروز تقویت خواهد شد . برای سرمایه ابتدائی بانك در ماده بعد که ملاحظه میکنید مبلغ پنج ملیون تومان از محلهای معین تخصیص داده شده است که بانك مزبور شروع بکار کند و ممکن است تا موقعی که این پنج ملیون تومان را بانك بجریان بیندازد و مصرف کند مبلغ کلی هم از سایر منابع که معین شده است میرسد . وجوه خالصجات وجواهرات درواقع یك اعتباری است برای بانك و در موقع شروع بکار لازم نیست بانك حتماً پانزده ملیون تومان وجه نقد در صندوق خودش بگذارد تابتواند داخل معاملات صرافی وداد وستد شود . پنج ملیون تومان ازیك محل معینی

www.iran-archive.com

مجلس اجازه میدهد که دولت ببانك قرض بدهد برای اینکه بتواند داخل عملیات مقدماتی بشود تاوقتی وجوهی که از محلهای دیگر برای بانك منظور شده است برسد. حالا نظر اصلی راجع باینکه آیافروش خالصجات یاجواهرات صلاح است یانیست؟ آن موردی است علیحده یك قسمت که راجع بفروش خالصجات است مجلس تصویب کرده است وراجع بفروش جواهرات هم اگر یك راه صحیح مطمئنی درنظر برسد ومجلس مطمئن شود که بمصرف خواهد رسید البته موافقت خواهد کرد زیرا هیچکس تصدیق نمیکند که یك جواهراتی که فرضاً خیلی هم قیمتی باشد در یك گوشه افتاده باشد و مملکت بحال فقر وفاقه باشد وفائدهٔ برآن مترتب نباشد آن جواهر یا آن سنگی که در بیابان افتاده است چه فرقی دارد؟ پس فائده اش وقتی است که بمصرف برسد.

رئیس ــ آقای عدل

عدل ــ عرض میشود بنده باتاسیس بانك کاملاً موافقم و با اینکه سرمایهٔ بانك هم ازفروش خالصجات وجواهرات باشد شاید مخالف نباشم ولی با تنظیم ایماده مخالفم وعلتش هم این است که یك قانونی که هنوز از مجلس نگذشته است (اگر چه آقای مخبر میفرمایند که فروش خالصجات را مجلس اجازه داده است) در صورتیکه قانون فروش خالصجات و جواهرات هیچکدام از مجلس نگذشته است یك چیزی که پا در هوا ست ومعلوم نیست که مجلس اینرا اجازه خواهد داد یا نه؟ ما اینمسئله را درضمن یك مادهٔ بخواهیم تصویب کنیم بدون اینکه تعمقی در اطرافش شده باشد بنده معتقد نیستم و عقیده ام این است که بانك تاسیس بشود ولی یك موضوعی که هنوز اجازهٔ آن ازمجلس گرفته نشده است نمی‌شود سرمایه برای بانك قرار داد بنده عقیده‌ام این است که باید نوشت سرمایهٔ اصلی بانك پانزده ملیون تومان خواهد بود ولی محل آنرا نباید اسم ببردوقتی قانون فروش خالصجات وجواهرات بمجلس آمد عیب ندارد که ذکر کنیم وجوهیکه از فروش این محل حاصل میشود بمصرف بانك خواهد رسید و الا یك محلی را که هنوز اجازهٔ نگرفته اند و بفروش نرسیده است و معلوم هم نیست که عواید حاصله ازاین محل پانزده ملیون خواهد بود یا بیست ملیون یا سی ملیون یا ده ملیون وکم وزیادش هنوز معلوم نیست اگر بخواهید در ضمن یك ماده در دو جمله تصویب کنید تصور نمیکنم کافی باشد.

وزیر مالیه ــ تصور میکنم اظهارات آقای عدل نمایندهٔ محترم مطلب را روی نزاع لفظی میبرد برای اینکه همانطور که آقای مخبر توضیح دادند دو لایحه از طرف دولت تقدیم مجلس شده ویکی از آن دولایحه هم درمجلس مطرح است و هیچ مانعی از برای این نیست که از وجوهی که از این دو لایحه یعنی فروش خالصجات و جواهرات تحصیل خواهد شد قبلا پیش بینی یك محلی هم برایش بشود.

حالا فرض میکنیم که مجلس موافقت نکرد و لایحهٔ فروش خالصجات و جواهرات تصویب نشد باید دید آیا بانك بواسطهٔ عدم تصویب ایندولایحه از بین میرود؟

خیر. ازبین نخواهد رفت آنوقت ناچار مجلس ودولتی که علاقه مندند این مؤسسهٔ ملی در این مملکت ایجاد شود باید یك محل دیگری، یك منبع دیگری، برای سرمایهٔ بانك مجدداً تهیه نمایند و در نظر بگیرند وبمجلس بیاورند حالا آقای عدل میفرمایند که اینمسئله معکوسش واقع شود یعنی بعداز آن که آن لوائح تصویب شد اینمسئله گفته شود، در هر حال چندان تفاوتی نخواهد داشت و باز عرض میکنم این نزاع نزاع لفظی است (لنظربنده) فعلا چیزی که اساسی است این است که تاسیس این بانك را دولت نخواسته است متوقف بگذارد تا موقع حصول آنوجوه بنا بر این ماده سه بترتیبی که پیش بینی شده است این بانك بفوریت پس از تصویب لایحه دایرمیشود وعملیات خودش را شروع میکند واگر بعد لایحه فروش جواهرات و خالصجات در مجلس تکلیفش معین نشد یعنی مجلس عقیدهٔ دیگری در آنخصوص داشت آنوقت

دولت برای تکمیل سرمایهٔ بانك لابد لوائح دیگری تهیه نموده وبنظر مجلس شورای ملی خواهد رساند باینملاحظه بنده تصور نمیکنم که مشاجره در این قسمت مفید فایده باشد و بهتر این است لایحه بترتیبی که تنظیم شده بگذرد.

رئیس ــ آقای بامداد

میرزا محمد علیخان بامداد ــ مسئله فروش خالصجات در کمیسیون بودجه خیلی طرف توجه و دقت شد وبالاخره در کمیسیون اکثریت با آنهائی بود که مسکوت عنه بماند و تصور نمیکنم در مجلس هم ....

شیروانی ــ فروش جواهرات نه خالصجات

بامداد ــ بلی به بخشید فروش جواهرات در مجلس هم تصور نمیکنم اکثریت نمایندگان محترم حاضر بشوند برای فروش جواهرات این یك امر مهمی است تمام ممالك دنیا لابد بقدر ما مقتصد بوده اند و محاسب بوده اند و در سخت ترین مواقعی که برای آنها پیش آمده مثلاً در موقع جنك بین الملل که آنقدر دول مهم دنیا محتاج بپول بودند جواهراتشان را نفروختند حالا نمیدانم چطور شده است که ما این میانه اینقدر مقتصد و محاسب شده ایم که یك اعتباری را که در یك گوشهٔ افتاده است و هر وقت بخواهیم بدردمان میخورد حالا بیائیم وآنها را بفروشیم حتی دولت روسیه هم که یك وضعیات مستثنائی در دنیا دارد این اقدام را نکرد و جواهراتش را نفروخت. حالا ما بیائیم وجواهراتمان را بفروشیم بعقیده بنده صحیح نیست بنده عقیده ام این است که فروش جواهرات برای تهیهٔ سرمایهٔ بانك مستثنی شود. ممکن است ما عین جواهرات را بدهیم ببانك و اعتبار بانك قرار دهیم نه اینکه عین آنها را بفروشیم و پولش را اعتبار قرار بدهیم. هیچ مانعی ندارد که یك پولی برای سرمایهٔ ابتدائی بانك تهیه شود که راه بیفتد و پس از راه افتادن ما عین جواهرات را بدهیم ببانك که یك اعتباری برایش باشد.

وزیر معارف ــ فروش خالصجات در مرحلهٔ اولی تصور میکنم یکی از موضوعاتی باشد که خیلی ها بان معتقد باشند که هر چه زودتر باید عملی بشود. ولی یك عیب یا یك حسن. اما بنظر بنده عیب در ما ها هست وآن این است که ما در هر اقدامی که میخواهیم بکنیم اولاً در عالم خیال یك اشکالاتی فرض میکنیم بعد در عالم خیال آن اشکالات را رفع میکنیم در صورتی که موقع عمل که میرسد می بینیم اغلب آن اشکالات فرضی و خیالی ما صورت خارجی پیدا نکرد بر عکس یك اشکالات دیگری که هیچ تصور نشده بود پیدا شد. ثانیاً بمحض آنکه در موقع عمل دچار مشکلاتی شدیم عوض اینکه آمشکلات را رفع کنیم و بمقصود برسیم از اصل موضوع صرف نظر میکنیم این یك خصیصه ایست که در شرق هست وخیال میکنم ممالك شرقی و ملی که در آن هستند دارای این خصیصه هستند بر عکس سایر جاها که آنها در موقعی که تصادف با یك اشکالاتی میکنند فرار نمیکنند. صرف نظر نمیکنند. بلکه جانفشانیها میکنند مقاومت میکنند برای رفع آنمحظور و مشکل تا بمقصود برسند. آقای آقا سید یعقوب اظهار کردند که بلی در موقع فروش خالصجات دیدیم که یك سیمهای خار دار و بی خار در اطراف کشیده شد بنا براین نزدیك نباید رفت اگر اینطور باشد در موقع اجرای هر قانونی مخصوصاً این قبیل قوانین مهمه طبعاً یك جور سیمها یا حائلها یا سدهائی ایجاد میشود بنا بر این ما باید پشت آن دیوار بمانیم. ولی اینطور نیست هنر در این است که آن سیمهای خار دار را پاره کنیم. عوض اینکه از اینطرف سه قدم بعقب مارش کنیم از آنطرف سه قدم بجلو مارش کنیم و الا همیشه این محظورات هست این افکار هست. بنا بر این ما باید همیشه عقب بمانیم که مبادا یك چیز هائی پیدا بشود. بنده معتقدم پس از آنکه بطور کلی و علی الاصول تصدیق شد که فروش خالصجات دفع است باید بالاتفاق صرف هم کرد برای رفع مانع. این مال خالصجات اما جواهرات. آقای بامداد اظهار کردند جواهرات مایهٔ

www.iran-archive.com

امید است جواهرات برای روز مبادا است. اینجا خیال میکنم اشتباهی شده است بین جواهرات سلطنتی و دولتی جواهرات بر دوقسم است. جواهرات سلطنتی وجواهرات دولتی. یك جواهراتی هست که جزء اثاثیه تشریفات سلطنتی است. اینها همانهائی است که در روز تاجگذاری اغلب آقایان که بودند دیدند. یك قسمت چیزهائی است نشانها وجواهراتی است که مخصوص بپادشاه وقت است از قبیل نشانها و تیروکمان وسپر و کرز واین چیزها اینها اثاثیهٔ سلطنتی است که همیشه باید محفوظ باشد و بهیچوجه من الوجوه کسی معتقد نیست باین که این اثاثیه و جواهرات مخصوص سلطنتی که جزو تشریفات سلطنت است فروخته شود ولی جواهراتیکه مقصود فروش آنها است آنها بکلی غیر از اینهائی است که عرض شد. اینها جواهراتی است که در تاریخ ادوار گذشته ایران در خزانه دولتی جمع آوری شده است و اگر مدتی دیگر بماند یك قسمتش ممکن است فاسد و خراب بشود. اینها زیادی است بنا بر این هرچه زودتر اینها تبدیل به پول بشود و ازآن پول مملکت استفاده کنند البته بهتر است. و اگر شما تصور میکنید در روز مبادائی این جواهرات بدرد ما خواهد خورد خیال میکنم اینطور نیست اولا امروز خودش روز مباداست چون امروز مملکت ایران احتیاج دارد ببانك و بانك هم پول میخواهد. ثانیاً اگر تصور میکنید در یك موقع جنگی یا یك روز سختی دولت ایران بخواهد و مجلس هم تصویب بکند که فروخته شود گمان میکنم نتیجهٔ مطلوبه را ندهد چون فروش جواهرات باید سر فرصت باشد نه در موقع اضطرار که نیمه بهاء از ما بخواهند بخرند و آنوقت آن نتیجه را هم ندهد بنا بر این بنده معتقدم در اصول که آقایان موافقند درجزئیات دیگر اینقدر بحث نکنند. در این ماده چنانچه مذاکره شد این بطور اعتبار است مثل سایر اعتباراتی که در ضمن لوایح بدولت میدهند و میگویند عوائد فلان قسمت از بابت سنه آتیه باید صرف فلان مصرف بشود، خوب اگر آن عوائد حاصل نشد چه باید کرد؟ البته باید عوائد دیگری فکر کرد. حالا این دو لایحه راجع بفروش خالصجات و جواهرات هم اگر در مجلس تصویب شد نعم المطلوب اگر تصویب نشد دولت لایحه دیگری تهیه میکنند و می آورد تقدیم مجلس میکنند و میگوید آقا این محل بزمین فرو رفت ویك محل دیگری تهیه شده است

بعضی از نمایندگان ـ مذاکرات کافی است

رئیس ـ مذاکرات را آقایان کافی میدانند؟

(گفتند بلی کافی است)

رئیس ـ پیشنهاد هاقرائت میشود: پیشنهاد آقای یاسائی

(این قسم خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم عبارت (که لوایح هریك علیحده تقدیم مجلس شورای ملی شده است) بنحو ذیل اصلاح شود: (که بموجب قانون مخصوص بفروش خواهد رسید)

یاسائی ـ این اصلاح عبارتی بنظر بنده مفید است زیرا تقدیم لوایح تنها کافی نیست. باید لوایح قانون بشود و ما نمیخواهیم فقط در اینجا خبر بدهیم که لوایحش آمده است بمجلس (بعضی ازنمایندگان ـ صحیح است) بلکه مقصود قانون آن ها است که بتصویب مجلس میرسد این بود که این عبارت را بنده پیشنهاد کردم.

مخبر ـ این عبارت صحیح است وبنده قبول میکنم.

رئیس ـ پیشنهاد آقای محمد ولی میرزا.

(بترتیب آتی قرائت شد)

سرمایه اصلی بانك پانزده ملیون تومان خواهد بود در صورت تصویب فروش خالصجات و جواهرات وجه حاصله تشکیل این سرمایه را خواهد داد والا در مدت پنجسال هر سالی سه‌میلیون تومان از بودجه عادی این سرمایه را تشکیل میدهد.

محمد ولی میرزا ـ بنده در این قسمت با تصدیق بیاناتی که آقای وزیر معارف فرمودند مخصوصاً در قسمت فروش جواهرات کاملاً نظر موافق دارم ولی در قسمت خالصه

عرایضی دارم که اگر بعد فرصت بدست آمد عرض خواهم کرد اما ایرادی را که بعضی از آقایان اساساً در اینجا اظهار داشتند وارد است و نمی توان قائل شد و بمجرد اینکه یك لوایحی تقدیم مجلس شده است این تنها کافی نخواهد بود که تعیین یك محلی را برای یك بانکی بنماید بطوری که اینجا ملاحظه میشود این پانزده ملیون کاملاً باتکاء تصدیق و تصویب این دو فقره لایحه قرارداده شده است و برای تاسیس بانك این اعتبار فقط کافی نیست. البته این لوایح بجای خودش هست اگر در مجلس تصویب شد و پولی مهیا شد میرود در خزانه بانك و تشکیل یك سرمایه را میدهد. آمدیم و نشد و مجلس موافقت نکرد و تصویب نشد یا باین طریق بتصویب مجلس نرسید آنوقت تشکیل سرمایه بانك را آقایان موکول میکنند ببعد که یك محلی تهیه و تقدیم مجلس نمایند. در هرصورت بانك محتاج بپول است. چه ضرر دارد که از حالا قبول بفرمایند که چنانچه این دوپیشنهاد و این دو عایدی بتصویب مجلس نرسید از بودجه عادی مملکت در ظرف پنجسال هر سالی سه ملیون برای تهیه سرمایه بانك تخصیص بدهند که محل سرمایه بانك باشد و از حالا وزارتمالیه در بودجه هرساله پیش بینی نماید یا با وضع مالیاتهای جدید و یا اصلاح بعضی تعرفه ها این وجه را تهیه کرده و جزو بودجه مملکتی بیاورند که سرمایه این بانك حقیقةً تهیه بشود و معطل نماند

مخبر ـ بنده گمان میکنم با توضیحاتی که داده شد مخصوصاً با بیانات آقای وزیر مالیه و آقای وزیر معارف دیگر پیشنهاد آقای محمد ولی میرزا مورد نداشته باشد چون خودشان تصدیق میفرمایند محلی را که ایشان تخصیص داده اند خیلی موهوم تر است از محل فروش خالصجات و جواهرات و جمله اخیر پیشنهاد ایشان با وجود ماده سوم هیچ لازم نیست زیرا اگر مادهٔ سوم را ملاحظه بفرمایند تا اندازهٔ نظریه ایشان تامین شده است و در آنجا پیش بینی شده که از عوائد جاری مملکت تا وقتی که سرمایه اش تکمیل نشده باید کمك بشود بنا بر این چون این پیش بینی ها بحد کامل در مادهٔ سوم شده است دیگر پیشنهاد ایشان مورد ندارد.

شیروانی ـ صحیح است

رئیس ـ آقای افشار

افشار ـ عرض کنم که همانطور که آقای مخبر بیان فرمودند فعلا ما یك منابعی داریم که لوایح آنها هم آمده است بمجلس و احتمال قوی دارد که مجلس هم با آنها موافقت کند یعنی به فروش جواهرات و خالصجات بعلاوه از اضافه عایدات مملکت هم مبلغی تخصیص داده شده برای تاسیس بانك و ایجاد سرمایهٔ آن ولی پیشنهادی که حضرت والا فرمودند یه ما باید از نقطه نظر تهیه برای سرمایه بانك از مخارج بکاهیم یه مالیات جدیدی وضع کنیم تا بتوانیم سالی سه ملیون برای سرمایهٔ بانك بدهیم فعلا هم عایدی مملکت اینقدر زیاد نیست و شاید تصور کرده‌اند که وضعیات مالی مملکت هم مثل عایدات خود حضرت والا است که سالی سه ملیون عایدی بسرمایه بانك بیفزائیم

رئیس ـ رأی گرفته میشود باین پیشنهاد. آقایانی که قابل توجهش میدانند قیام فرمایند

(عدهٔ کمی بر خاستند)

رئیس ـ قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای عدل

(بشرح ذیل قرائت شد)

در مادهٔ دوم حذف جمله (و محل آن از وجوه حاصله) الی آخر را پیشنهاد میکنم

عدل ـ عرض میشود که فرمایشات آقای وزیر مالیه بنده را قانع نکرد و اینکه فرمودند مشاجره لفظی است خودشان شاهدند که بنده مشاجرهٔ لفظی نمیکنم و شهوت حرف زدن هم ندارم غیر از اینکه بنده اینجا ملاحظه میکنم که ما داریم یك قانونی اینجا میگذرانیم که بایه

www.iran-archive.com

سه قانون را بر روی آب میگذاریم. شاید یکی از این سه قانون عملی نشد یعنی مابقی قانون را داریم مربوط میکنیم بدو قانون دیگر که هنوز از تصویب مجلس شورای ملی نگذشته ست و شاید آن دو قانون از مجلس نگذرد بنا بر این اینقانون هم مهمل خواهد ماند این است که بنده تقاضا کردم قسمت (و محل آن از وجوه حاصله تا آخر ماده) حذف شود بعلاوه استدعا میکنم آقای مخبر التفات بفرمایند. بنده عقیده دارم که این دوماده یکی بشود باین شکل که نوشته شود: سرمایه اصلی بانك پانزده میلیون تومان خواهد بود برای اینکه سرمایه ابتدائی جهت شروع بکارهای بانك تهیه شود دولت مجاز است از وجوه ودایع خود (باستثنای وجوه انحصار قند وچای) مبلغی که بیش از پنج میلیون تومان نباشد بعنوان مساعده ببانك بپردازد و اضافه عایدات سنوات ۱۳۰۴ و ۱۳۰۵ و ۱۳۰۶ را از بابت تادیه مساعدهٔ مزبوره محسوب دارد بعلاوه از ۱۳۰۷ تا موقعی که تتمهٔ پنج میلیون تومان فوق پرداخت شود هر ساله مبلغی که بیش از پانصد هزار تومان نباشد در جزء بودجه مخارج مملکتی پیش بینی و از بابت قرض بانك بخزانه محسوب خواهد داشت و در صورتیکه قانون فروش خالصجات وجواهرات از مجلس گذشت محل آن وجوه حاصله از بانك خواهد بود یك چنین چیزی باید نوشته شود والا یك چیزی را که هنوز قانونش از مجلس نگذشته است. آوردن و اینجا نوشتن غیراز اینکه اسباب اشکال شود فایده دیگری ندارد و تصور میکنم اگر خودتان هم یك قدری توجه بفرمائید تصدیق میکنید که یك چیزی که هنوز ازمجلس نگذشته چطور شما اورا ثابت میکنید عرض بنده این بود

وزیر مالیه ــ در قسمت اول فرمایشات ایشان بنده عرض کردم که بنظر بنده مطلب نزاع لفظی میآید (نه مشاجره) مشاجره عرض نکردم ولی حالا مجبورم که عرض کنم بنظر بنده موضوع تقدیم و تأخیر میآید وتقدیم وتأخیر نمیدانم دراصل موضوع چه تغییری میدهد وچه تأثیری دارد؟ ماده اینطور نوشته شده است که: سرمایهٔ اصلی بانك پانزده میلیون تومان خواهد بود. ازاین قسمت ماده اینطور استفاده میشود که سرمایهٔ بانك را پانزده ملیون تومان معین کرده اند بعد محل آنرا معین کرده و مینویسد: و محل آن وجوه حاصله ازفروش خالصه وفلان محل است. این هم محل برای پانزده میلیون است یعنی در قسمت دوم ماده دوم تعیین محل پانزده میلیون سرمایه شده است. درماده سه هم سرمایهٔ ابتدائی بانك تعیین گردیده است بترتیبی که درین ماده مذاکره خواهد شد بفرض آقای عدل اگر لایحهٔ فروش خالصجات وفروش جواهرات برخلاف ترقب بنده وترقب خیلی از آقایان در مجلس نگذشت اینکه فرمودند این قانون هم لغو میشود، چرا؟ بچه دلیل؟ آیا این مطلب لغو میشود که دولت یك بانك ملی تاسیس کرده؟ خیر. آیا این مطلب لغو میشود که این بانك ملی پانزده میلیون تومان باید سرمایه داشته باشد نه. چیزیکه تفاوت میکند این است که محلی که قبلاً پیش بینی شده ممکن است عوض شود و محل دیگری تهیه شود علی الخصوص بماده سه که شما بآن رأی میدهید. شما بانك را قبل از اینکه این لوایح درمجلس تکلیفش معلوم شود یك مؤسسهٔ رسمی که مشغول عمل جاری است خواهید کرد پس نمیشود گفت که این لایحه لغو میشود یابای این لایحه روی یك چیز موهومی گذاشته میشود وبعقیده بنده این تقدیم وتأخیرچندان اهمیتی ندارد که اینقدر درش صحبت شود و خوبست آقایان موافقت بفرمایند بهمین ترتیبی که مواد تنظیم شده است بگذرد

رئیس ــ آقای خواجوی

خواجوی ــ تصور میکنم این وحشتی که آقایان ازفروش خالصجات وجواهرات دارند ولاینقطع تذکر میدهند کاملا تحقیق و تفتیش از شعب مربوطه وزارت مالیه نکرده اند و اگر تحقیق میکردند معلوم میشد که صد هشتاد و پنج قریه درکاشان و توابع سالی دوهزار تومان بدولت منافع میدهد و صدو نود وپنج قریه در قراجه داغ سالی پنج هزار تومان بدولت میدهد و اگر نمایندگان محترم تفتیش و تحقیق میکردند در موقعی که لایحه فروش خالصجات تقدیم مجلس شورای ملی میشد عموما رای میدادند و مساعدت میکردند. چرا؟ برای اینکه خراب ترین تقاطی که در ایران هست املاك خالصه است بجهة اینکه تمام اساسی آنها در پیش بنده موجود است واز اداره مربوطه گرفته ام و عایداتش که در هر سالی چقدر میدهند پیش بنده است. کلیه قراء خالصه مملکت آباد و خراب پس از وضع خرج یك میلیون و شصت و سه هزار تومان بدولت میدهد لذا چنانچه بطور مزایده فروش شود و یك قسمتش هم موضوع شود که فروش نشود یعنی خالصجات آباد باقی بماند باز قریب ده و پانزده کرور بلکه بیشتر بدولت عاید میشود لذا بنده هیچ اشکالی نمی بینم و واجب میبینم فروش خالصجات را و لازم میدانم که در همین محل ذکر شود که محلش همین محل است و موردش هم همین جاست اما جواهرات که آقایان میفرمایند. مروارید هر چه بماند روز بروز رطوبت هوا آنرا خراب تر و ضایع تر میکند و امروز بفروشیم بهتر است تا فردا بفروشیم. ما امروز احتیاج به پول داریم برای بانك وترویج صنایع وفلاحت و تجارت و غیره برای چه این اندازه وقت مجلس را تلف کنیم و این لایحه باین خوبی را نگذرانیم و اینطور خودمان را در مضیقه بگذاریم؟!

رئیس ــ آقای مخبر؟

مخبر ــ بسته به نظر مجلس است.

رئیس ــ رای گرفته میشود.

افسر ــ تجزیه کنید

رئیس ــ چه میفرمائید؟

افسر ــ خیال کردم ماده است گفتم تجزیه اش کنید

رئیس ــ رای گرفته میشود به پیشنهاد آقای عدل آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(معدودی بر خاستند)

رئیس ــ قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای بامداد.

(اینطور خوانده شد)

پیشنهاد میکنم (فروش جواهرات از ماده دوم حذف شود.

رئیس ــ آقای بامداد.

میرزا محمد علیخان (بامداد) ــ بنده یك قسمت عرایضم را راجع به مخالفت با فروش جواهرات قبلاً عرض کرده ام حالا هم عرض میکنم. اگرهم بنا شود بفروشیم ضمنی که نباید فروخت و باید موکول شود بلایحه خودش بجهة اینکه اگر این لایحه الان تصویب شود و آن لایحه بیاید بمجلس دیگر مجلس نمیتوند حرف بزند برای اینکه رای داده است و فروشش مسلم شده است و ممکن است برای طرز فروشش یك لایحهٔ بیاورند که باین طرز فروخته شود بنا بر این پیشنهاد کردم که لفظ جواهرات حذف شود و موکول شود به لایحهٔ خودش که اگر مجلس رای داد بفروشند و اگر رأی نداد نفروشند

مخبر ــ آقای بامداد توجه نفرمودند به پیشنهاد آقای یاسائی. اول نوشته شده بود (که لایحه آن بمجلس تقدیم شده است) بعد آقای یاسائی پیشنهاد کردند نوشته شود (که بموجب قانون مخصوص بفروش خواهد رسید) و پیشنهاد ایشان را هم بنده از طرف کمیسیون قبول کردم بنا بر این نظریهٔ شما هم تامین شده است البته وقتی موکول شد به تصویب قانون آن، یك لایحهٔ از طرف دولت به مجلس میآید و میرود به کمیسیون و درآن مطالعه ومذاکره میشود و بعد میآورند بمجلس رای میدهند وآنوقت فروخته میشود. اینجا همینقدر که قید شد محل سرمایهٔ بانك فروش جواهرات است که بموجب قانون مخصوص بفروش خواهد رسید. معلوم میشود که باید بیاید بمجلس وهیچ شبههٔ ندارد.

رئیس ــ رای گرفته میشود به قابل توجه بودن

www.iran-archive.com

پیشنهاد آقای بامداد

آقایانیکه پیشنهاد ایشان را قابل توجه میدانند قیام فرمایند .

(چند نفری بر خاستند)

رئیس ـ قابل توجه نشد . آقای افسر پیشنهاد کرده اند که در موقع رای گرفتن ماده تفکیك شود . قسمت راجع بجواهرات تفکیك میشود .

افسر ـ توضیح بدهم ؟

رئیس ـ کمان میکنم توضیحی لازم نباشد . ماده دوم قرائت میشود .

(بشرح ذیل خوانده شد)

مادهٔ ۲ ـ سرمایهٔ اصلی بانك پانزده میلیون تومان خواهد بود و محل آن وجوه حاصلهٔ از فروش جواهرات دولتی است که بموجب قانون مخصوص بفروش خواهدرسید

مخبر ـ اجازه میفرمائید ؟

رئیس ـ بفرمائید .

مخبر ـ این دومحل هرکدام جدا جدا پانزده میلیون تومان نخواهد شد .

اگر بگوئیم پانزده میلیون تومان ومحل آن وجوه حاصلهٔ ازفروش جواهرات است کافی نیست واگرهم بگوئیم پانزده میلیون تومان ومحل آن‌وجوه خالصجات خواهد بود باز کافی نیست ونمیشود تجزیه کرد .

رئیس ـ چرا قطعاً وقتی مجلس رأی میدهد این مسئله را در نظر میگیرد . رأی میگیریم باین قسمت . آقایانیکه موافقند قیام فرمایند .

(اغلب برخاستند)

رئیس ـ تصویب شد . قسمت دیگر قرائت میشود .

(اینطور خوانده شد)

مادهٔ ۲ ـ سرمایهٔ اصلی بانك پانزده میلیون تومان است و محل آن وجوه حاصلهٔ از فروش خالصجات است که بموجب قانون مخصوص بفروش خواهد رسید .

رئیس ـ رأی میگیریم بقسمت ثانی آقایان موافقین قیام فرمایند .

(اغلب بر خاستند)

رئیس ـ تصویب شد . رأی گرفته میشود به مجموع هردوقسمت آقایانیکه موافقند قیام فرمایند .

(اغلب برخاستند)

رئیس ـ تصویب شد . اگر آقایان موافقند چند دقیقه تنفس داده شود

مخالفی نیست ؟ .

بعضی از نمایندگان ـ خیر .

(دراین موقع جلسه برای تنفس تعطیل وبفاصله سه ربع ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس ـ در جلسهٔ گذشته آقای آقا سید یعقوب میخواستند اظهاراتی بکنند بنا برأی مجلس موکول شد بامروز . اگر مجلس موافق است ایشان اظهارات خودشرا بنمایند .

بعضی از نمایندگان ـ مانعی نیست .

رئیس ـ آقای آقاسید یعقوب .

آقاسید یعقوب ـ اولا بنده سپاسگذاری میکنم و تشکر می کنم از مجلس شورای ملی که با یك وجههٔ کشادهٔ حق عدالت و مظلومیت بنده را ادا کرد و اجازه داد که بنده عقایدم را بعرض برسانم . چنانچه نظر مبارکتان هست در جلسهٔ خصوصی که رای اعتماد برای آقای رئیس الوزراء گرفته میشد و بنده اقل قلیل بودم و مخالف بودم خواستم یك عرایضی عرض کنم آقای رئیس آنوقت جلسه را بهم زدند و نگذاشتند عرض کنم و بنده با حال شکسته و چشم گریان خارج شدم و آرزومند بودم که یك روح محبتی در مجلس پیدا شود و اجازه بدهد به یك وکیل ضعیف افتاده و آزادی باو بدهند که عرایض خودش را عرض کند . این است که

بنده سپاس گذاری میکنم از مجلس که انشاء الله اینطور که حق عدالت را ادا کرد موفق شود یك خدمات بزرگی برای ترقی ایران و ترقی ملت بکند . . . . .

بعضی از نمایندگان ـ انشاء الله

آقاسیدیعقوب ـ این مسئله بود که بعرض مجلس رساندم و بعد از آنهم عرض میکنم که اکثریت مجلس البته تصدیق میفرمایند که دارای یك حجت قاطعه و برهان فعلی است . برهان اکثریت همان رأي دادن است و مسلم است که با یك قیام و قعود میتواند اقلیت را پایمال کند . پس بعد از اینکه بحمدالله همچو قدرت و توانائی در اکثریت پیدا شده است توجه میفرمایند که بنده عرایض خودم را عرض کنم و اگر خارج از حدود هم شدم مقام ریاست حافظ انتظام است و حقوق همه را حفظ میکند و الا اکثریت به رای قاطع خودش بنده را نابود میکند . پس آقایانیکه فوق العاده عشق موافقت با دولت دارند احساسات فوق‌العاده از اینکه بنده را نابود بکنند بروز ندهند . این هم یك مسئله بود که باز با حال تضرع و انکسار بعرض مجلس و موافقین رساندم و امیدوارم باین حالت مظلومیت بنده که تنها هستم اکثریت موافقت کنند باستماع عرایض بنده . این هم یك مسئله که عرض شد . یك مسئلهٔ دیگر در اینجا آقای رئیس الوزراء اظهار فرمودند بعد از آنکه کابینهٔ محترم خودشان و وزراء عظام را بمجلس معرفی نمودند فرمودند که پرگرام من همان پرگرام گذشته است . اولا یك چیزي را بعرض مجلس میرسانم که این سابقه در دورهٔ چهارم و پنجم بوده . در دورهٔ چهارم وقتي میرزا احمد خان قوام السلطنه کابینه را تشکیل داد و بعد که کابینه ازمیان رفت وآقای میرزا حسنخان پیرنیا که رئیس الوزرا شدند تشریف آوردند کابینه را معرفی کردند فرمودند پرگرام من همان پرگرام است ومجلس هیچ اظهاري نکرد پس آنجا بعنوان سکوت گذشت وهمهٔ دانایان و علماء حقوق وفقه و اصول میدانند که سکوت در معرض بیان موجب رضا است . پس راضي بودند . در دورهٔ پنجم هم درموقع ریاست وزرائی اعلیحضرت فعلي که تغییری درافراد کابینه شان واقع شد بعد که تشریف آوردند و فرمودند پرگرام من همان پرگرام است مجلس هم بحال سکوت گذراند و تغییري نکرد . این بود که بازهم این سابقه شد ولی حالا غیر از آن سابقه است پس آقایانیکه موافق هستندو خواستند بعد بمن حمله بیاورند ومرا نابود کنند که این سابقه هست قبلاً عرض میکنم که این سابقه آن سابقه نیست . حالا در اینجا بعد از سپاس گذاری که مجلس اجازه داد بعرض مجلس برسانم خواستم بآقاي رئیس الوزرا عرض کنم که مقتضی است این پرگرام را تغییر بدهند و پرگرام تازهٔ بیاورند به چه دلیل ؟ بدلیل اینکه این وزرائی که الان معرفی کردند چهار نفرشان وزراء جدیدند ودرکابینهٔ سابق نبودند، که آقای فاطمی وآقاي تدین وآقای فیروز میرزا وآقاي داور میباشند آقای فروغی هم که آنوقت پرگرام را بمجلس آوردند در فرنگستان تشریف داشتند . گمان نمیکنم این آقایان هیچ خبر داشته باشند ازمواد پرگرام . میخواهم ازاین آقایان بپرسم که آیا مواد پرگرام چه چیز است ؟ این پرگرامی که آنوقت آقای مستوفی الممالك رئیس الوزراء به مجلس دادند (بنده پرگرام همراهم هست) مواد پرگرام چیست ؟ کمان نمیکنم مواد پرگرام در نظرشان باشد و چون مواد پرگرام تحت نظرشان نیست و پرگرام هم به مشورت ایشان نوشته نشده و این چهار نفر وزیر محترم در وقتی که پرگرام را نوشتند نبودند (و البته نبودند) (خندهٔ حضار) در هیئت وزراء سابق یك پرگرامی نوشته اند که اینها اطلاع ندارند این یك دلیل بر این مسئله . دلیل دوم : چهار نفر از اینها (کمان میکنم پنج نفرشان) چهار نفر از آنها وکیل بوده اند و در مجلس بوده اند که قسم میخورم دو نفر از آنها به پرگرام رای ندادند یکی آقای فاطمی است یکی فیروزمیرزا . اینصورت مجلس است آقای رئیس بفرمایند بیاورند . وقتی که رای به پرگرام داده شد این دو نفر رای ندادند آقای تدین

www.iran-archive.com

هم رای ندادند به اعتباراینکه رئیس بوده اند و بیطرف بوده اند و از این جهة او را هم موضوع میکنم ولی دو نفر وزیر محترم دیگر رای ندادند . آقای داور هم که آن وقت نظرم نیست سفر بودند یا اینجا بودند . اگر هم اینجا بودند نمیدانم حقیقة (رفتم روزنامه را به بینم که آقای داور رای به پرگرام داده اند یا نداده اند) حالا درست نظرم نیست چون غالبا تشریف نمی آوردند . نمیدانم آن روز آمدند و رای دادند و رفتند یا خیر . . .

شیروانی ــ رادیکال ها عموما رای دادند .

آقا سیدیعقوب ــ رای آقای شیروانی را خیلی مقدس میشمارم ولی این مسئله غیر از رای آقای داور است چون وکیل از طرف وکیل وکیل نیست ، پس این مسئله تصدیق شد ، آقای فروغی هم وقتیکه پرگرام را نوشتند نبودند و در آن کابینه هم تشریف نیاوردند . اگر میفرمائید تشریف آوردند در مجلس علنی آندفعه تشریف نیاوردند پس آقای فروغی نبودند و گمان نمی کنم که پرگرام هم بعرضشان رسیده باشد . از آقایان سؤال میکنم که مواد پرگرام چند تا بود ؟

فاطمی ــ (وزیر داخله) هیجده تا

آقا سید یعقوب ــ کم کم از وکلا شنیده اید (خنده نمایندگان) پس در این پرگرامی که خود اکثریت وزراء که پنج نفر باشند از مواد آن مستحضر نیستند و ممکن بود این پرگرام را بردارند ببرند و در آن تجدید نظر کنند چون یك موادی در این پرگرام لازم است که گمان میکنم مجلس فوق العاده بانها علاقه مند است ودومسئله است یکی را بعضی گفتند ترتیب میدهند که مسئله تجدید کنترات امریکائیها است . . . . .

بعضی از نمایندگان ــ صحیح است

آقا سید یعقوب ــ بنده با اینکه خیلی در اقلیت هستم و خیلی هم با دولت مخالفم و با اینکه اگر وقتی که پرگرام را بیاورند رای نخواهم داد اما اکثریت مجلس که رای میدهد . خوب است این پرگرام را ببرند ویك پرگرام تازهٔ بیاورند که در آن صحبت کنیم . یك مسئله دیگر هست و آن این است که این کابینه یك کابینهٔ ملی است آنر ملیت ما یکی مطبوعات است ، چند سال است مطبوعات در سانسور است آنوقت معاون وزارت داخله میگوید من خبر ندارم ! در مرکز روزنامه اش در فشار سانسور است ، خط سانسور بی پیر خفه اش کرده است مطبوعات شما را بعد ازبیست و پنج سال سانسورمیکنند ! آزادیخواهان که بنام آزادی اینجا نشسته اید آنوقت معاون وزارت داخله میگوید من خبر ندارم ، بنده میدانم چطور مطبوعات ما سانسور است ، بلی هر سطری که جمله بنویسندکان باشد سانسور نیست اما عملیات دولت سانسور است اگر عملیات دولت را جرئت میکردند بنویسند بنده از نوشتن مراسله خبردار نمیشدم ؟! از دیوان محاکمهٔ که برخلاف قانون اساسی تشکیل میدهند مطلع نمیشدم ؟! از مسئلهٔ تصویب نامه ها رده رده !! این چیزها ، مطبوعات در سانسور است اما بنده که وکیل هستم صبح بروم گردش احوالات بنده را کاملا مطلع هستند چرا ؟ برای اینکه بدبخت وکیل مظلوم است ولی شما خوشوقت هستید بنده درحال بدبختی هستم تمام اعمال من تحت نظر مطبوعات است ولی اعمال دولت را جرأت نمیکنند بنویسند ، دستشان را خرد میکنند یکی ازآن مسائل این بود که این پرگرام را دولت ببرد دومرتبه همین اکثریتی که آمدند رأی دادند همین پرگرام دومرتبه تحت نظر همین اکثریت میآید و صحبت میشود یعنی اگر شما مثلاً پرگرام را ببرید مانع از عملیاتتان است ؟ آقای وزیرعدلیه رفتند عدلیه را منحل کردند کسی صحبت کرد ؟ که کار دیگر بکنید حرف بزنند ؟ آقای وزیر معارف معاون را تغییر دادند . . . .

وزیر داخله ــ حقشان بود

آقا سید یعقوب ــ آن یکی رئیس کابینه را تغییرداد اینها مانع از عمل نیست . پرگرام نگذشتن مانع

از عملیات هیئت وزراء نیست که بگوئیم اگر پرگرام معطل شود کارهای مملکت از بین میرود نه . والله از بین نمیرود کارهای مملکت در جای خودش میماند ومانع ازکار شما نبود که پرگرام را ببرید در تحت نظر وزرای جدید فعال جوان کاردان کار آزمودهٔ مجلس دیدهٔ که آقای وزیر معارف امروز می گوید (عقیدهٔ من) و (عقیده دولت) نمیگوید پرگرام را در تحت نظر خودتان قرار بدهید و اینمطالب را صحبت نمائید بعد به مجلس بیاورید یکی از مواد پرگرام این بود که ما لوایح اقتصادی تقدیم مجلس میکنیم ، از جمله لوایح اقتصادی لایحه تجملی بود که گمان میکنم هنوز همه بزحمت این لوایح مطلع نشده اید که چه انقلاب اقتصادی تولید کرده یعنی چه پولهائی از جیب مردم در رفت . یکی این لایحهٔ تجملی بود که اصلا نمیدانم چه شد و چه ترتیبی شد . یك مالیات جدیدی خواستند تحمیل نمایند و بپرگرانی درست کنند آن لایحه را بیك جوری آوردند در مجلس و طوری مردم طهران و ولایات را در مضیقه اقتصاد انداختند وزیر ورو کردند که چه عرض کنم حالا بنده خواستم عرض کنم که آقای رئیس الوزراء که تشریف آوردند و وزراء را باین ترتیب معرفی کردند درصورتی که وزراء در موقعی که پرگرام را می نوشتند ابداً شریك ایشان نبودند در نوشتن پرگرام و مواد پرگرام تحت نظر غالبشان نیست و الا خوبست یك یك آقایان مواد را بیان کنند چطور میشود یك رئیس الوزرائی بیاید در مجلس شورای ملی بفرماید من این وزراء را معرفی میکنم اینهم پرگرام من است و رفتم ــ نه پس بنا بر حق عدالت بنا برحفظ حقوق اقلیت استدعائی که من از مجلس شورای ملی میکنم بنام حفظ آزادی و حفظ یك وکیلی که از روی عقیده اساسی بعرض مجلس میرساند . دولت همین جا پرگرام خودش را پس بگیرد ببرد بنشیند و پرگرام جدیدی در تحت چهار ماده (لازم نیست مرام بر دارند بنویسند) در تحت چهار ماده یکی اجرای قوانینی که از مجلس گذشته ویکی تجدید کنترات آمریکائیها ، نه اینکه مرامنامه بنویسند که ما خیال داریم شرق را بغرب وصل کنیم و جنوب را بشمال ، خیر اینچیزها را نمی خواهیم حالا میخواهم بگردم پرگرام را پیدا کنم که بعرض آقایان برسانم که یکی از اینها در دوره ما عملی نخواهد شد و اگر پرگرام را نخواهند عملی کنند همینجوریکه اعلیحضرت در دوره پنجم یك پروگرامی آوردند بمجلس و کاملا عملی شد آن پرگرام را عملی کنند . .

بعضی از نمایندگان ــ پرگرام را همه داریم

آقا سیدیعقوب ــ همه دارید . من هم داشتم نمیدانم چه شد . بلی میخوهم مسئله را خوب بعرض آقایان برسانم که کاملا این پرگرام محتاج بتجدید نظر است اول مینویسد : حفظ حسن روابط با دول متحابه ، در نظر آقایان باشد . . .

عمادی ــ اصل پرگرام مطرح نیست .

آقا سیدیعقوب ــ آقا جان مجلس اجازه داد ! شما اکثریت هستید . برهان قاطع دارید رای دارید . درعالم برادری وسیادت آنقدر بنده را خفه نکنید . دولت کاملا با شما حسن عقیده دارد بمن سوءعقیده دارد (خنده نمایندگان) اول حفظ حسن روابط بادول متحابه . اینجا آنروز عرض کردم این است احوال تجارت و اقتصاد طرف شمال ما ، این است حال شرق ما . . . .

(صدای زنك رئیس)

رئیس ــ استیضاح نکنید

آقا سید یعقوب ــ استیضاح که رفت ، استیضاح کردیم که استعفاء دادند . بسیار خوب ، در آنوقتی که این پرگرام نوشته شد چون اغلب این وزراء حاضر نبودند و در آنکابینه تشریف نداشتند و موافق نبودند استدعا میکنم همین جوریکه مجلس بمن اجازه داد که عقاید خودمرا عرض کنم این پرگرام را دولت پس بگیرد و ببرند و با اشتراك همدیگر و مسؤلیت مشترکه که دارند یك پرگرامی بنویسند و بیاورند حالا چون میدانم

www.iran-archive.com

خاطر آقای رئیس خسته میشود و خیلی دوستشان دارم دیگر عرض نمیکنم این کابینه هم غیر از نوشتن مراسله و تصویبنامه و تشکیل دیوان عدالت بر خلاف قانون اساسی هیچ چیزی درست نمیکنند این همان کابینه سابق است که آن بد بختی را برای ما تهیه کرد.

رئیس الوزراء ـ آقای آقا سید یعقوب گویا از این نکته غفلت فرمودند که پرگرامی که تقدیم مجلس میشود باید بموافقت نظر آندولتی که پرگرام را تقدیم میکند باشد و ایندولت حاضر هم بهمان پرگرام موافقت نظر داشته است و بنده هم که آن پرگرام را تقدیم کردم آقایان دیگر هم موافقت کرده اند و اینمسئله سابقه هم داشته است دفعهٔ اول نیست و گمان میکنم آقایان نمایندگانی هم که در دوره های سابق تشریف داشتند مثل اینکه خود آقای آقاسید یعقوب همینجا تذکر دادند بخاطر دارند که سابقه هم داشته است . . . .

بعضی از نمایندگان ـ صحیح است

رئیس الوزراء ـ وامروز هم عین همان پرگرام را آقایان همکاران بنده تصدیق دارند و همانرا پرگرام خود قرار داده ایم . حالا دیگر بسته بنظر مجلس است که آن سابقه را میل دارند اهمیت بدهند یاندهند این از وظایف مجلس است نه از وظایف ما ولی پرگرام دولت (مکرر عرض میکنم اگر چه تکرار مطلب خوب نیست) ولی پرگرام دولت حاضر همان پرگرام سابق است و اگر هم موادی لازم باشد که بعد تقدیم مجلس بشود البته بطور لابحه تدریجا تقدیم مجلس میشود وهیچ پرگرامی هم در هیچ موقع بطور قطع نمیتواند حاوی تمام اقدامات آن دولت باشد و تا وقتی که آن دولت در سر کار است ممکن است بسا چیزها پیش آید که بطور لابحه تقدیم کند . حالا هم اگر یك چیزهائیرا دولت در نظر بگیرد و لازم بداند بطور لابحه تقدیم میکند اما فعلاً پرگرام دولت بطوریکه عرض کردم همان پرگرام سابق است ولی این سابقه را رد کردن یا قبول کردن بسته بنظر مجلس است

وزیر مالیه ـ اگر چه بعد از اظهاراتی که آقای رئیس الوزراء فرمودند بعقیده بنده دیگر اظهاری از طرف بنده مورد نداشت ولی چون در ضمن فرمایشاتشان آقای آقا سید یعقوب یك اشارهٔ به بعضی از همکاران بنده و بنده کردند که همکاران سابق و همکاران فعلی خودشان هم هستیم به عقیدهٔ بنده یك توضیحی در مقابل اظهارات ایشان لازم بود بنده اینجا عرض کنم اولاً بر خاطر آقایان نمایندگان محترم پوشیده نیست که یکی از اصول اولیه حکومت ملی ومشروطیت وحکومت پارلمانی این است که اقلیت وعقاید آنها همیشه محترم و آزاد باشد و اظهاراتشان را هم بفرمایند والبته تنقید یکی ازمفید ترین چیزهائی است که اگر چیزی فراموش شده باشد همیشه تذکر داده شود و ما ها هم که روی این اصل میخواهیم زندگانی کنیم و با آقایان همکاری کنیم البته ما هیچوقت راضی نمیشویم که اگر آقای آقاسید یعقوب یارفقای دیگریکه دارند اظهاراتی داشته باشند تفرمایند البته باید اظهاراتشانرا بفرمایند و ما هم سعی کنیم آنچه ممکن است از برای خیر و مصالح عمومی استفاده بشود استفاده بکنیم . البته اینمسئله اعم از یك نظریات شخصی است نه ما رنجش پیدا میکنیم شخصاً از منقدین خودمان و نه باید آقایانی که تنقید میکنند از اظهاراتی که ما در جواب آنها عرض میکنیم رنجش شخصی پیدا کنند ـ به عقیدهٔ بنده همانطوریکه قبلا آقای رئیس الوزراء تذکر دادند آقای آقا سید یعقوب خودشان میبایستی اینمسئله را فکر کنند که وقتی رئیس الوزراء و رئیس دولت در مجلس اظهار میکنند که این پروگرام کابینه است البته تمام همکاران او اعم از اینکه قبلا بوده اند یا بعد آمده اند با این عقیده موافقت داشته اند و آن پرگرام را پرگرام خودشان دانسته اند و قبول کرده اند که این اظهار شده و نمی بایستی هیچ تردیدی داشته باشند که مطلب ممکن است غیر از این باشد بعلاوه بنظر بنده این مطلب هم یك رویه ابدی نیست بلکه یك رویه خوبی هم هست ، چرا ؟ برای

اینکه در مواد پرگرام همیشه یا اغلب یك چیزهای کلی را در نظر میگیرند که در ذیل آن مسائل کلی لوایحی است که بمجلس میآید و مطالب را در معرض مذاکره ومباحثه و بالاخره رای آقایان قرار میدهد ـ اگر عادت دیرینه که در مملکت ما در هر چیز هست این را سعی کنیم و بخواهیم مرتفع کنیم (که یك اخلاقی همیشه خودشان را ملتزم ندانند که رویه و اسلوب اسلاف خودشان را ولو اینکه درروی یك اصول صحیحی بوده تعقیب نکنند) این بعقیده بنده یك کار خوبی است پرگرامی است تقدیم شده . در مجلس مورد بحث واقع گردیده مصوب مجلس است ـ مجلس بآن پرگرام رای داده اگر یك اشخاصیکه آنموقع شرکت در کار دولت نداشتند امروز معتقد بشند که باید همان رویه را گرفت وتعقیب کرد این بنظر بنده یك چیز خوبی است و بایستی تشویق هم بشود نه اینکه بایستی اینطور نمایش داد که حتماً هر کسی می آید آن چیزرا که قبلا بوده خوب یا بد آنرا تغییر بدهد اشاره فرمودند باینکه چند نفر از ماها که در مجلس بودیم در آنموقع با پرگرام دولت که امروز هم پرگرام دولت است مخالفت کردیم ـ اینطور نیست ـ اشتباه کرده اند ـ حالا توضیح عرض میکنم برای اینکه همانطور که خودشان تذکر دادند آقای تدین رئیس مجلس بودند و ایشان موقعیتی نداشت که اظهار عقیده کرده باشند بملاحظهٔ همان مقامشان اظهار عقیده نکردند آقای داور که یکی از مدافعین پرگرام بودند ـ آقای فاطمی و بنده هم در موقع گرفتن رای امتناع کردیم وهیچ رای ندادیم ـ معنی امتناع هم مخالفت نیست ـ علی الخصوص که رویه بعدی ما که در تمام لوایح دولت که بمجلس میآمد مدافع بودیم و رای میدادیم خوب نشان میدهد که امتناع اولی ما یك حال تردیدی بود وهیچ موجب مخالفتی نبود . . . .

آقاسید یعقوب ـ مخصوصاً مسئله استیضاح

وزیر مالیه ـ و همینطور که آقای رئیس الوزراء اشاره فرمودند این اظهاریکه از طرف دولت شده است مبنی بر سابقه بوده است ـ آقایان البته متذکر هستند که در نظامنامه وحتی قوانین موضوعه هم هیچ جا یك مواد صریحی که تکلیف دولترا در موقع معرفی ـ درموقع پرگرام واین قبیل مواد مشخص نماید هیچ موجود نیست فقط در قانون اساسی چند ماده است که مربوط است بعزل ونصب وزراء ومربوط است بمواقعی که مجلس نظری دارد یا نارضایتی دارد وهر چه از این زمینه ها موجود هست بنا بر سابقه است و البته این سابقه که از امور داخلی خود مجلس است ما در آن نباید اظهار عقیده کنیم ـ یك سوابقی بود و بر روی آن زمینه اظهار نظر شد حالا البته بسته بنظر خود مجلس است ـ میخواهد آنرا تجدید کند ـ بهم بزند ـ مجدداً همین پرگرام سابق که پرگرام فعلی دولت است مطرح کنند اینهم هم مربوط بنظر خود مجلس است و ما نباید اظهار عقیده کنیم ولی ماسابقه و احترام آنرا حفظ کرده ایم و پرگرام فعلی دولت را گفته ایم همان پرگرامی است که سابق بود اشاره کردند که یك مسائل جدیدی است که اینها در پرگرام باید گفته شد بنده نمی بینم که یك مسائل جدیدی باشد این مسائلی را که ذکر کردند مسائلی بوده است که همیشه بوده است و پرگرام ها هم همیشه شامل آنها بوده است وهمانطوریکه آقای رئیس الوزراء اظهار کردند لوایحی که از طرف دولت همیشه به مجلس آمده و بعد خواهد آمد مفسر و معبر آن کلیاتی است که در پرگرام است و عمل دولت را به شما نشان میدهد ودر معرض تصدیق و تکذیب خودتان خواهد گذاشت و در هرموقعی هم نسبت باین قضایا هر عقیده دارید اظهار خواهید کرد ـ نسبت باین بیاناتی هم که فرمودید که در پرگرام اشاره شده است اگر در پرگرام نوشته شده است (اصلاح وزارت عدلیه) البته توضیحی در پرگرام داده نشده بود که آن اصلاحات از چه راه خواهد شد و

www.iran-archive.com

لوایحش در موقع باز بحضور خودتان تقدیم خواهد شد همینطور در موضوع مالیه ماده در برنامه بود که دولت اظهار عقیده خواهد کرد و لوایحی تقدیم خواهد کرد یك قسمت از لوایح که تقدیم شده و بقیه هم باز تقدیم خواهد شد و تمام اینها در موقعی که لوایحش بمجلس تقدیم میشود مورد مذاکره خواهد شد بعلاوه آقای آقاسید یعقوب خودشان خوب میدانند که یك چیزرا که بعقیده ایشان دولت قصور بکند وبیاورد بمجلس باطفره از او داشته باشد راه سؤال و استیضاح و تقاضای ورود کردن در مجلس بهقسام مختلف برای آقایان نمایندگان مفتوح است و درنظام نامه معین شده است وما هم حاضر خواهیم بود که مطابق آن برای مذاکره وسؤال وجواب حاضر باشیم .

شیروانی ـ مذاکره کافی است .

ضیاء ـ کافی نیست .

رئیس ـ آقای زوار پیشنهادتان قرائت شود .

زوار ـ بلی .

(پیشنهاد آقای زوار اینطور خوانده شد)

بعد از نطقهای آقایان وزراء ختم جلسه را پیشنهاد میکنیم .

آقاسید یعقوب ـ بنده مخالفم .

رئیس ـ آقای زوار

زوار ـ بنده تصور می کنم مذاکراتیکه راجع به برنامه میشود موضوعی نداشته باشد برای اینکه برنامه هیئت دولت را آقای رئیس الوزراء در کابینه گذشته شان تقدیم کرده اند و سابقه هائی هم در دوره چهارم و پنجم بوده است که اگر روزی رئیس دولت بگوید که من آن برنامه را قبول میکنم این تصدیق شده است وبطوری هم که شاهزاده فیروز مبرز فرمودند درنظامنامه هم چیزی در این موضوع ذکر نشده است بنا بر این آقایان مخالفین باید روی برنامه صحبت کنند و برنامه را هم که مجلس تصدیق کرده است بنا بر این این مذاکرات خارج از موضوع است این بود که بنده پیشنهاد ختم جلسه را کردم

رئیس ـ آقای وزیر معارف

وزیر معارف ـ اگر چه یك قسمت فرمایشات آقای آقاسید یعقوب جنبه شخصی و خصوصی داشت که بنده میخواستم جوابش را عرض کنم ولی چون موقع گذشته است بنده فقط تلقی میکنم بجنبه شخصی و مخالفت خود را با این پیشنهاد عرض میکنم . بنده و هیئت محترم دولت کاملا معتقد هستیم بهنکه اصول معموله در پارلمانهای دنیا مخصوصا درمجلس شورای ملی کاملا محفوظ باشد (بعضی از نمایندگان ـ صحیح است) اینجا مذاکره شد که آیا آن سوابق محفوظ است یا محفوظ نیست ؟ بعقیده بنده این موضوع باید حل شود ، ما هیچ وحشتی نداریم زیرا اگر اکثریت داریم میمانیم و اگر اکثریت نداریم میرویم . بنا بر این اگر مجلس رای داد که آن سابقه صحیح است تکلیف آقای آقاسید یعقوب هم معلوم میشود و اگر رای دادند صحیح نیست آنوقت هر طرفش را که رای بدهند ما حاضریم مجلس اگر رای داد که برنامه جزو دستور باشد ما حاضریم مگر اینکه عقیدهٔ آقای آقاسید یعقوب این باشد که ما برنامه را حفظ کرده باشیم . این هم یك اصلی است که بنده تازه میشنوم و بالاخره غیب گوئی ایشان هم مرحله دوم است ، بنده نسبت بغیب گوئی که ایشان اظهار کردند بجز چهارده معصوم بهیچ کس اطمینان ندارم ایشان میگویند شما برنامه را نگاه نکرده اید

آقاسید یعقوب ـ بلی

وزیر معارف ـ مگر شما غیب میدانید ؟

آقاسید یعقوب ـ بلی شما کجا بودید

وزیر معارف ـ مطابق نظامنامه حق حرف زدن ندارید....

آقاسید یعقوب ـ این حرف را رئیس باید بگوید نه وزیر ! من وکیلم

رئیس ـ (خطاب باقای آقا سید یعقوب) بگذارید آقای وزیر اظهارات خودشان را بکنند

آقاسید یعقوب ـ بچه دلیل آقای وزیر این حرف را میزنند ؟ حافظ نظامنامه رئیس است

وزیر معارف ـ بنده میدانید که نظامنامه را خوب حفظم . درنظامنامه قید شده است وقتی که ناطقی صحبت میکنند کسی دیگر جلو نطقش را نباید بگیرد و نباید توی نطقش بدود . این ناطق اعم است خواه وزیر باشد یا وکیل ، علی ای حال بنده معتقدم که آقای زوار این پیشنهاد خودشان را مسترد نمایند تا تکلیف سابقه از حیث اثر و عدم اثرش معلوم شود

زوار ـ بطوریکه آقای وزیر معارف فرمودند مسترد میکنم

رئیس ـ آقای دادگر

دادگر ـ عرض میکنم آقای آقا سید یعقوب تنها یکنفر نبودند که اظهار مخالفت کردند و دو نفر از آقایان وزراء هم جواب دادند . بنده تصور میکنم که اگر مخالف دیگری هم هست و حرفی دارند بگویند و زیاده روی هم کسی نمیخواهد بکند یا ایشان هم بر خلاف عدالت نمیخواهند رفتار نمایند . اگرروی سابقه میخواهند حرف بزنند که هیچ و الا مذاکرات بعقیدهٔ بنده کافی است .

رئیس ـ مذاکرات کافی است ؟

جمعی از نمایندگان ـ بلی کافی است

رئیس ـ پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

(بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم به برنامه دولت رای مثبت گرفته شود

رئیس ـ مقصود از رای مثبت چیست ؟

آقاسید یعقوب ـ بنده سه دوره است اینجا وکیل هستم و تکلیف خودم را خوب میدانم . آقای وزیر هم به بنده تغیر نکنند بنده عرض کردم که اگر خارج از وظیفه رفتار کنم تکلیف آقای رئیس است که جلوگیری کنند

زوار ـ زیاد حرف میزنید

آقاسید یعقوب ـ شما هم حق ندارید . یعنی چه مجلس شورای ملی است ـ آقای مؤتمن الملك است . عرض میکنم در آن جلسه خصوصی که برای اعتماد گرفته شد آن جلسه خصوصی رسمیت ندارد بنا براین پیشنهاد کردم که نسبت بدولت برای اعتماد گرفته شود این را هم حق ندارم ؟

رئیس ـ پیشنهاد این مقصود را نمیرساند چون اسم برنامه را برده اید

آقاسید یعقوب ـ نسبت بدولت پیشنهاد می کنم برنامه را بر میدارم

رئیس ـ برای اعتماد گرفته شود ؟

آقاسید یعقوب ـ بلی

رئیس ـ پیشنهاد آقای دادگر

(اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم بحفظ سابقه رای گرفته شود

رئیس ـ بنظرم میاید که همچو رای نشود گرفت . به پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب رای میگیریم اگر رد شد در واقع منظور جنابعالی تامین میشود بحفظ سابقه رای گرفتن یك قدری اشکال دارد

شیروانی ـ پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب قرائت شود

رئیس ـ پیشنهاد ایشان این است که رای اعتماد گرفته شود . اول باید رای بگیریم که باید رای اعتماد گرفته شود یا نه ؟ اگر تصویب شد در ثانی رای اعتماد میگیریم آقای دشتی

دشتی ـ عرض میکنم . اینجا یك اشتباهاتی هست و آن این است که آقای آقا سید یعقوب میگویند که دولت حق ندارد عین برنامه اش را بیاورد . این البته حرف بی اساس بود زیرا دولت حق دارد برنامه سابق

www.iran-archive.com

خودش را با کابینه دیگری بیاورد بمجلس و سابقه هم روی این زمینه بوده است که اگر یك دولتی پرگرام سابق خودش را قبول کرد مجلس ممکن است بان پرگرام رای بدهد ولی یك نکته که محل اختلاف است این است آیا این پرگرام باید مطرح بشود یا نه ؟ عده زیادی از آقایان وکلاء اینطور که بنده احساس میکنم عقیده‌شان این است که پرگرام باید مطرح شود برای اینکه پرگرامی که در سه ماه یا چهار ماه قبل مطرح شده است و دولت اکثریت داشته است این دلیل نمیشود که همیشه عین آن پرگرام محل توجه باشد واین بعقیده بنده صحیح است وتصور میکنم با اکثریتی که هیئت دولت دارند و با رای اعتمادی هم که باقی مستوفی داده شده‌است هیچ محظوری در بین نیست که عین پرگرام مطرح شود و بعد هم بپرگرام رأی گرفته شود و سابقه هم همیشه این بوده است که یك هیئت دولتی که بمجلس معرفی میشود بعد از معرفی شدن پرگرامش باید مطرح شود و بعد از مطرح شدن رأی به پرگرام میگیرند و باین ترتیب ما رای اعتماد بدهیم بیك دولتی که هنوز پرگرام آن مطرح نشده است تصور میکنم خود این بر خلاف سابقه باشد .

رئیس ــ آقای دادگر

دادگر ــ این مطالبی که مذاکره میشود یك مذاکراتی است که معمول نبوده است و پیشنهادی که بنده کردم در مقابل فرمایش آقای آقا سید یعقوب بود که پرگرام دولت قبل تمسك کنند یا نه و پیشنهاد بنده این بود که چون سابقه در مجلس شورای ملی هست و این سابقه را هم بنده دوست میدارم برای اینکه خلف نیاید و کار خوب سلف را از بین نبرد نظر بنده این بود که این سابقه محفوظ بماند و در موضوع اینکه پرگرام بایدطرح بشود یا نباید طرح شود این یك موضوعی است که منافی با پیشنهاد بنده است و در این موضوع عرضی ندارم

رئیس ــ آقای زوار

زوار ــ پرگرام را بایستی دولت معین کند . هیچ شکی در این نیست رئیس الوزرای معظم دولت آن کسی که در صدر دولت معین شده و با کثریت بود و چند رای باو رای اعتماد داده شده است . .

آیة الله زاده خراسانی ــ آن رای مؤثر نیست

زوار ــ اطلاع ندارید . آقا بی اطلاع هستند . بنده هو نمیشوم خودم آهوء هستم (خنده حضار) افعل التفصیل هو . رئیس الوزراء میگوید پرگرامی را که در کابینه سابق تقدیم مجلس کردم حالا هم آن را تعقیب میکنم دیگر وکیل نمیتواند بگوید شما این پرگرامتان را ببرید عوض کنید . مواد پرگرام همان است که مجلس شورای ملی بان رای داده است بنا بر این بنده نمی فهمم که چطور میشود دو باره بان رای بدهند این یك چیز تازه‌ایست و بعقیده بنده سابقه ندارد .

رئیس ــ آقای مدرس

مدرس ــ بنده کم کم با اظهارات آقای وزیر معارف همراه شدم . مسئله کم کم نظری شد اول خیلی واضح و روشن بود حالا مسئله نظری شد که اگر یك دولتی بیاید وبگوید پرگرام من همان پرگرام دولت پیش است آیا مجلس باید بگذرد ودیگر موردی برای اینکه رای اعتماد بان دولت بگیرد یا نگیرد باقی میماند یا نمیماند یا همین جور که آقایان مذاکرات فرمودند باید بگذرد و این دولت هم برود سر کار ؟ بایندولت رای اعتماد بهش داده شده است یا داده نشده است ؟ این یك مسئله نظری است این دولت یا به استیضاح یا به استعفا رفت و یك دولت دیگری آمد و او هم گفت پرگرام من همان پرگرام سابق است آیا باید مجلس قناعت بکند و تشریف ببرند یاخیر بیاناتی که آقای رئیس الوزراء فرمودند بعقیده بنده خیلی جامع بود و فرمودند پرگرام دولت همان پرگرام است اما مجلس دیگر تکلیفش را خودش میداند از ناحیه دولت فرمایشات آقای رئیس الوزراء خیلی کامل

بود . آقای آقاسید یعقوب هم در بعضی فرمایشاتشان فرمودند و الا همین فرمایش آقای رئیس الوزرا ما راقانع کرد که این پرگرام عقیده تمام افراد دولت است . البته باید این را تلقی بقبول کرد اما اگر پرگرام مطرح می شد و یکی یکی در مواردش صحبت میشد آخر منتهی بیك رائی ممکن بود بشود یا نه ؟ رای به پرگرام باصطلاح ما موضوعیت ندارد طریقیت ندارد برای اعتماد بدولت (جمعی از نمایندگان صحیح است) حالا بعد از اینکه دولت آمد وگفت پرگرام من همان پرگرام است آنچه در تعقیب پرگرام واقع میشد کجا میرود حالا باید رای گرفت یا نباید رای گرفت ؟ اما سابقه را هم که فرمودند بنده همچو نظره است آن دولتهائی که می فرمودند پرگرام ما همان پرگرام سابق است مخالفی پیدا نمیکرد اما بعقیده بنده چون حالا این مسئله مذاکره شده است باید این قضیه حل شود که بعد از این اگر مبتلا شدیم معلوم باشد که چه باید کرد؟ البته حالا مجلس رای میدهد وهمه هم رای میدهیم پرگرام را هم همه همان میدانیم موادش هم همانها است که بود همه اش هم خوب بود خیلی از آنها هم درجریان است لیکن بعد از این هر دولتی که آمد بمجلس و اتکال کرد به پرگرام سابق تکلیف رای اعتماد نسبت باو چه می شود ؟ چون بعد از این مذاکرات این مسئله بعقیدهٔ بنده نظری است و همانطور که آقای وزیر معارف فرمودند باید مسئله را حل نمائیم . در جلسه امروز یا فردا یا هر موقع وبنده عرض دیگری ندارم وچون این مذاکرات شده است باید مسئله حل شود .

رئیس الوزرا ــ سوء تفاهم نشود که بنده اینکه عرض کردم پرگرام دولت همان پرگرام سابق است غرض این است که طفرهٔ از رأی اعتماد بدولت باشد خیر ؟ بنده هیچ همچو نظری را نداشته ام چون حقیقة عقیدهٔ بنده وهمکاران بنده این بود که پرگرام دولت خوبست و همین پرگرام را پرگرام خودمان قرار خواهیم داد این بود که بعرض مجلس رساندم و عرض هم کردم این منوط بنظر آقایان است که آن سابقه را میل دارند محفوظ بماند یا خیر ؟ ولی حالا بنده می بینم که یك مذاکراتی پیش میاید که باین مذاکراتی که فعلا پیش آمده است اگر آقایان هم بخواهند اینمسئله را مسکوت بگذارند بنده حاضر نیستم و حاضر هم نیستم بدون گرفتن رای اعتماد امروز از مجلس شورای ملی بیرون بروم و استدعا میکنم همین امروز رأی اعتماد نسبت بدولت گرفته شود

جمعی از نمایندگان ــ صحیح است

رئیس ــ دو فقره پیشنهاد است قرائت میشود .

(بشرح آتی خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم نسبت بدولت و پرگرام آن که همان پرگرام سابق است رای اعتماد گرفته شود

(احتشام زاده)

بنده پیشنهاد میکنم پرگرام دولت مطرح شود

(ضیاء)

رئیس ــ دو پیشنهاد است یکی اینکه پرگرام مطرح شود دیگر اینکه بدون اینکه پرگرام مطرح شود رای اعتماد گرفته شود . آقای وزیر مالیه .

وزیر مالیه ــ بنده تصور میکنم بعد از اینکه رئیس دولت تقاضای رای اعتماد از مجلس کرده است دیگر پیشنهاد موافق ومخالفی در کار نیست (بعضی از نمایندگان صحیح است) رئیس دولت در هر موقع که بخواهد تقاضای رای اعتماد می کند مسائل باید روشن باشد هیچ دولتی البته صلاح نیست که درحال مبهم خدمت بمملکت را ادامه بدهد . آقایانی که موافقند رای عتماد خواهند داد و آقایانیکه موافق نیستند رای اعتماد نخواهند داد .

رئیس ــ آقای دشتی مخالفید ؟

دشتی ــ با این مذاکرهٔ که شد مخالفم .

www.iran-archive.com